

ویولی بدستش باید پس بنده این مطلب بنظر نمی رسد و اگر این مطلب هم در نظر می باشد می بینم که این مواد با آن اصل که در نظر گرفته شده است خیلی منافات دارد بلکه در بعضی از مواد ملاحظه بنافع مالک خیلی شده است پس اینرا در نظر ندارند اما اگر ملاحظه آسایش آن مالک را در نظر دارند و این قانون را برای آسایش مالکین بمجلس پیشنهاد کردند بنده تصور میکنم که یک اشکال دیگری برای آنها تولید خواهد شد که هیچ اسباب آسایش آنها نمیشود بلکه اسباب زحمت میشود و بالاخره آن اشخاص مجبور میشوند که آن املاک را که دارند واگذار کنند پس این مطلب را هم نمیشود در نظر گرفت چون بنده وقتی که این قانون را مرور میکنم بنظر خیلی مشکل می آید اما حالا آقای مهندس شاید توضیح بدهند و رفع اشکال بنده بشود اگر در نظر گرفته باشند که اختلافاتی که بین مالک و دولت همیشه در سر این مالیات بود آن اختلافات با وضع این قانون رفع میشود این را هم بنده هیچ نمی بینم که رفع اختلافات بشود و بعد از آنکه این قانون وضع شود اول شروع با اختلافات است که قبلا هیچ وجه آن اختلافات نبوده این اختلافات هم در خصوص اجرای این قانون میشود و در خصوص تقویم میشود در خصوص تعیین قیمت جنس و آن عایدی که بعنوان مالیات بدولت میدهند میشود و برای اینکه بعضی از مالکین که خالصه خریدمانند بیخالی اینکه عایدی آنها مطابق با آن جمعی که بسته اند نیست و قیمت هم کرده اند و در بعضی از دولت گرفته اند و حالا این قانون آنرا تقصیر میکنند بنا بر این بنا بر یک اختلافاتی بین مالک و دولت فراهم خواهد شد و بنده این را که در نظر گرفته اند و این قانون را پیشنهاد کرده اند چه بوده است این را فرمایند اما اگر در ضمن مواد عارضی داشته باشم عرض بخواهم کرد .

مخبر - بنده برخلاف عقیده آقای حاج شیخ اسد الله که مفرمانند تولید اشکال و اختلاف مابین مالک و دولت خواهد شد تصور میکنم برعکس باشد و این قانون بالاخره آن اختلافات را از قوی ثیل هزار و سیصد و بیست و چهار مابین دولت و مالکین پیدا شده است رفع کند در موقع پیشنهاد کردن این لایحه قانونی بنظر بنده است و این سه نظر هم بعقیده بنده خیلی اهمیت و خیلی جالب دقت است چنانچه عرض کردم و البته آقای حاج شیخ اسد الله هم خوب مسوق هستند در قوی ثیل ۱۳۴۴ تخفیفات و تمیرات املاک خالصه بر حسب حکم مجلس اول برگشت کرده است و معلوم است در ضمن آن حکم کلی یکصد مالکین خالصه بوده و هستند که استطاعت تأدیبه آن مثال دیوانی ملک خودشان را بدون تخفیف یا تسخیر نداشته اند و از آن سال تا بحال مالکین و دولت کشمکش بوده و دولت هم مطابق همان مالیات که در فرمان مصرح بوده است بر حسب تصمیم مجلس اول همین مثال دیوانی را تقاضا میکردند و مالکین هم معلوم است بواسطه اینکه چیزی نداشته اند نمی دادند تا اینکه در برابر ارسال یک تصمیم دیگری شد که نصف بگیرند و در ضمن عمل دیده شده که آن تصمیم دولت چندان منافع دولت را تامین نمیکرد شاید برای مالکین خیلی خوب باشد ولی منافع دولت را تامین نمیکند این است که این قانون پیشنهاد

شده است پس نظر اول در وضع این قانون بالاخره اتخاذ وسائل است برای رفع اختلافات مابین مالکین و دولت و معلوم است خود این مناقشه که مابین دولت و مالکین حاصل شده یک خستگی دارد و دولت حقاً برای جلب منافع خودش از این مسئله استفاده کرده و میفرماید از این راه تبه ویولی بنماید و البته گمانیکه چندین سال گرفتار زحمت ملک خودشان بوده اند و هر سال مجبور بوده اند که تحمل زحمات زیاد را بکنند (این نکته هم در نظر آقای حاج شیخ اسد الله باشد که نتیجه آن زحمات همیشه ضرر دولت و بالاخره موفقیت مالک بوده) بنا بر این مالک برای اینکه از این زحمات سالانه خلاص شود طبعاً و قهراً حاضر خواهد شد که ویولی بدولت بدهد و آن تفاوت را بپردازد و در آن وقت هم مسلک خودش معتبر باشد و هم از ضرر زحمات سه ساله خلاص شود پس از این حسن مالک دولت خواسته است استفاده بکند و یک ویولی تحصیل کند و برای جلب منافع و عایداتیکه امروز دولت نهایت احتیاج را با آن دارد بنده تصور میکنم استفاده بسیار مشروع و بقاعده است یک جهت دیگر که باعث پیشنهاد کردن این قانون شده است یکدست کردن مالیات است و حتی الامکان اگر ما بصورت مالیات مملکت خودمان نگاه کنیم خواهیم دید هیچ اصل معینی نداریم در بعضی جاها می بینیم یک عشر او محصول را میگیریم در بعضی جاها می بینیم نصف می گیریم در بعضی جاها تمام محصول را می گیریم و در بعضی جاها دیگر هم یک چیزی علاوه از محصول می گیریم بنا بر این لازم است باین ترتیبی مالیات هم سه تانه داده شود حالا بجهت ترتیب می شود باین ترتیب خانه داده شود؟ البته برای اینکه یک هدیه و وسائلی لازم است این سه قطعه نظری بوده که باعث پیشنهاد شدن این قانون شده حالا فرض میکنم در کلیاتش همین اندازه شور کافی باشد وقتی که داخل در مواد شدیم خواهیم دید که صرفه دولت در این قانون منظور شده است یا صرفه مالک؟ اگر دقت کنیم البته مصلحتین از املاک تصدیق خواهند فرمود که صرفه هر دو طرف منظور شده است این نکته هم نباید فراموش کرد که این قانون اجباری نیست قانون اختیاری و برای کسانی که خودشان مایل باین معامله باشند والا این قانون کسی را مکلف نخواهد کرد وقتی که این قانون اختیاری شد آنوقت فروشنده از یکطرف باید منافع خودش را منظور کند و از یک طرف باید کلمه وسائل تشویق را فراهم بکند و الا بالنتیجه تماماً از یکطرف رعایت شود بعد از گذشتن این قانون از مجلس خواهیم دید که ابتدا بموقع اجرا نمی آید بجهت اینکه باید یک شرایط خیلی سختی هیچ کس حاضر نخواهد شد معامله بکند لهذا از طرف دولت کمیسیون سنی شده است که منصف خرنده و فروشنده هر دو منظور شود اما منصف فروشنده که دولت باشد کاملاً منظور شده است و آن این است که مدرک قرارداد شده است و آن مدرک هم فراموش و مثال دیوانی که اغلب از آن مثال دیوانی شاکمی هستند نمی توانند ادا نمایند ما آنها را در ماده اول و دوم مجبور میکنیم که مطابق مدرک که همان فرمان دیوانی باشد خریداری نمایند و در یک ماده دیگر هم تقویم آن یعنی همان تقویمی که در املاک بسیار معتبر و اربابی منظور و معامله می شود در نظر است چون امروز هر کسی بخواهد یک ملکی بفرد

هر قدر هم مرغوب باشد از ده یک زیادتر نیست پس وقتی که زمین کردیم ده یک خرید و فروش شود منفعت دولت هم تأمین شده است که یک استثنای آنرا قائل شده ایم که در املاکی که مغروبه هستند و عایدی واقع آن برای تأدیبه مثال دیوانی کفایت نمی کند برای آنها هم راه حلی پیدا کرده ایم که آنها صرفه دولت را کاملاً تأمین می کنند و برای تشویق خریدار هم یک تریبیات و وسائلی اتخاذ شده است که بعد در ضمن شور مواد ممکن است کاملاً شرح داده شود پس وقتی که ملاحظه کنیم می بینیم علاوه بر اینکه این لایحه ضرر ندارد یک منافع خوبی را هم در آنجا با نشان میدهد و رفع اختلافات چندین ساله مابین مالکین و دولت را هم میکند و بواسطه اختلافات چندین ساله که مابین مالکین و دولت هست دولت استفاده کرده و یک ویولی بطور قطع عاید دولت میشود و علاوه بر یک قدمی برداشته میشود برای یکدست کردن مالیاتها و آنوقت در ضمن این سه مقصود هم منافع دولت تأمین شده است و هم تشویقی از آن کسانی که میخواهند بطور آزادانه بخرند فراهم شده است و هم عایدی بدولت رسیده مالیاتها هم یکدست میشود .

حاج سید رضا - عقیده بنده این است که این کار هیچ نتیجه نخواهد داشت و چندین قطعه از املاک مالکانشان تبدیل به نقد خواهد شد و مابقی بهمان ترتیب که هست خواهد ماند و آن وجهش هم معلوم نیست چه خواهد شد بنده باین جهت باین قانون هیچ عقیده ندارم .

رئیس - دلالتش را هم خوب بود میفرمودید **حاج سید رضا** - همان بود که عرض کردم . **مخبر** - خواهش میکنم آقایان به شرح مراجعه فرمایند و اگر مراجعه فرمایند تصدیق خواهند فرمود که آنطوریکه میفرمایند نخواهد شد **رئیس** - دیگر مخالفی نیست رأی میگیریم به اینکه داخل در شور مواد بشویم یا نه آقایانی که موافقت در شور مواد داخل بشویم قیام نمایند (همه کثیری قیام کردند) **رئیس** - تصویب شد - ماده (۱) قرائت می شود . (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده (۱) صاحبان املاک خالصه انتقالی میتوانند نه عشر مثال دیوانی خالصات متصرفی خود از دولت خریداری نموده و یک عشر باقی مانده را به عنوان مالیات اربابی تأدیبه نمایند . **حاج شیخ اسد الله** - در این ماده بنویسد یک عشر از مثال دیوانی را بعنوان مالیات باقی بگذارند و نه عشر آنرا دولت بدالک میفرودند مثال دیوانی خالصات مختلف است بعضی خالصات هست که این اواخر عایدی آنها بقدر مثال دیوانیشان نبوده و صاحبان آنها شکایت کرده اند و هیئت وزراء هم تصمیم کرده اند که نصف عایدی خالصات را بعنوان مالیات از آنها بگیرند بعضی خالصات هست که چهار عشر و بعضی پنج عشر و بعضی شش عشر باختلاف از عایدی آنها گرفته میشود و در اینجا که یکمشر از مثال دیوانی را برای مالیات باقی بگذارند و باقی آنرا میفرودند نباید نظر کمیسیون چه بوده است؟

آیا نظری این بوده است که این مالیات را در کلیه مستقالات نیم عشر یا ربع عشریکه برای اینکه بنظر که نوشته شده بالنتیجه همینطور میشود مثلا اگر بنا باشد مالیات خالصات امروزه نصف محصول باشد و یکمشر بکشد در این عنوان مالیات گذاشته در واقع نیم عشر برای مالیات باقی گذاشته اند و باقی آنرا گذاشته عشر از نصف باشد میفرودند خوب وقتی که بنیاد آن نظر آنرا که آقای سردار معظم فرمودند داشته باشند بالمال باید مالیات مستقالات تمام یک مثال و یک روزه باشد اقلاً باید یک عشر از عایدی آن مستقالات را برای دولت بعنوان مالیات باقی بگذارند و باقی را بفرودند ولی در اینجا یک عشر از مثال دیوانی را که امروز دارد میدهند بعنوان مالیات باقی بگذارند و باقی آنرا بفرودند و این مطلب با آن نظری که فرمودند مخالفت دارد بنا بر این خوب بود در اینجا بنویسند یک عشر از عایدی خالصات را بعنوان مالیات باقی بگذارند و بقیه از مثال دیوانی هر چه بمیان میفرودند نه اینکه یک عشر از مثال دیوانی را باقی بگذارند و مابقی را هر چه بمیان بگذارند با آن نظری که آقای سردار معظم فرمودند هیچ مطابقت ندارد

مخبر - اولاً برای اصلاح آقا باید عرض کنیم که قانون مستقالات مدتیست از مجلس گذشته است و این قانون راجع است بتبديل مالیات خالصات انتقالی با مالیات اربابی پس از مالیات مستقالات حرفی نیز نمیشود اما اینکه فرمودند در سنوات اخیر بعضی تصمیمات راجع بعضی از املاک خالصه از قبیل دادن نصف عایدی شده بود معلوم است این تصمیمات موقتی بوده است و بعد از گذشتن این قانون طبعاً آنها نسخ خواهد شد و این تصمیمی هم که راجع بنصف فرموده اند از او تبدیل بوده و راجع بتمام خالصات هم نبود راجع بیک قسمتی از خالصات بود و آنرا هم دولت خودش نسخ کرده است زیرا که در عمل دیدند آن تصمیم سبب صرفه دولت نیست و قابله مقام آن تصمیم بالاخره این قانونی است که پیشنهاد شده است اما راجع باصل مالیات دیوانی آقای حاج شیخ اسد الله اگر در اصل مثال دیوانی و ترتیب برقراری آنها دقت فرمودند این فرمایش را نمیفرمودند در موقعی که دولت یک خالصه داشت و یک مثالی همه ساله عایدش میشد اغلب در مقابل عایدات دولت که روی کاغذ بوده و میبایستی بدولت برسد آن کسیکه مأمور جمع آوری آن عایدات بود برای دولت خرج تراشی میکرد و بالنتیجه چیزی عاید دولت نمیشد تا اینکه دولت تصمیم سکرفت خالصات خودش را بفرودند بعقیده بنده این یکی از تصمیمات خوبی بود بجهت اینکه دولت در واقع یک مستاجرین دائمی برای خودش تهیه کرد و املاکی را که داشت فروخت و بعنوان مالیات آنها را وادار کرد مثال دیوانی را بدهند حالا کم یا زیاد کار نداریم و کی برد و خورد آنرا هم کار نداریم علاوه آن عایدات که همیشه متزلزل بود و ممکن بود برای آن خرج تراشی ها بشود آنها را ثابت و محکم کرد علاوه یک ویولی هم برای آن عایدات گرفت معلوم است که هر قاعده کلی یک استثنائی دارد البته بعضی از املاک خالصه هست که خیلی مرغوب و خیلی خوب بود و مثال دیوانی

آن خیلی زیاد نبود بلکه خیلی کم بود و بقیه کم برده شد ولی معلوم است این استثناء آن قاعده کلی اساسی را نمیتواند بهم بزند پس وقتیکه در این ماده دو میفرماید تعریف از مثال دیوانی بکنند میگویند آن عایدی است که همه ساله دولت از املاک خودش میبرد و در فرمانهم قید شده منتها در بعضی جاها عایدی کم بوده بعضی که خریده بودند وقتی خواستند داخل در عایدات شوند دیدند که غیر حق تعایدات آن ملک کفایت از برای تأدیبه مثال دیوانی نمیکند و آنوقت متدرجاً قوانین واحکامی صادر کردند و دستور اهل محلها و تخفیفاتی گرفتند (این را باید عرض کنم که این تخفیفات و این تسعیرات کتابچه هم برگشته است و هیچ داخل در عمل نیست) پس آن شئی را که فرمودند نیم عشر مالیات میدهند هیچ وارد نیست و این طور نیست حالا بنظر بنده دوشق ممکن بود اینجا نوشته شود یکی همین ترتیبی که کمیسیون نوشته است که عشر مثال دیوانی بعنوان مالیات باقی و بر قرار شود و نه عشر فروخته شود یکی همین طور که آقای حاج شیخ اسد الله فرمودند عوض مثال دیوانی عایدی واقعی سنجیده شود تا وقتی که در این مسئله دقت کردیم دیدیم شق نانی اسباب ضرر خواهد بود بجهت این که یک قسمت از خالصات هستند که عایدات واقعی آنها کمتر از مثال دیوانی است و علاوه بیکمشر مدتیست وقت لازم دارد و مقاصد دولت را سکه بפורیت پیدا کردن یک ویولی است از میان میبرد و ضرر مالی دولت هم این است که بعد از این که ما معقد به برقرار کردن عشر عایدات بعنوان مالیات شدیم در میزبانی ها و تبدیلیهای آتی مشکل است دیگر حقی پیدا کنیم و بتوانیم چیزی اضافه کنیم ولی اگر حالا عشر مثال دیوانی را بعنوان مالیات بر قرار کنیم آنوقت در ضمن میزبانی های آتی حق تجدید نظر و حق اضافه کردن عایدات را خواهیم داشت اما اگر میخواهیم این نظر را پیدا کنیم و بالاخره کاری بکنیم که عشر عایدات واقعی را بعنوان مالیات معین کنیم اسباب اتلاف وقت بود در صورتی که در دست طرف مقابل فراموش حاضر است آن فرامین را بر میدارند و مثال دیوانی را می بینند و یک عشر را بعنوان مالیات می گذارند و نه عشر را دولت حق پیدا میکنند که مالکین بفرودند و بعقیده کمیسیون این شق بهتر است و آن نظری را که آقای حاج شیخ اسد الله فرمودند که یک عشر عایدی بعنوان مالیات بر قرار شود قلماً مقتضی نمیدانم .

سردار سعید - یکی از مزایای که در این قانون بود که بمجلس پیشنهاد شده تصور میفرماید این بود که کلیه مالیات های املاک مردم بطور تساوی بشود یعنی هر کس بماند از کلیه محصول خودش بپردازد بدولت بدهد و مثل حالا نباشد که هر خالصه اربابی یک صورتی داشته باشد و در ماده اول که مینویسد نه عشر مثال دیوانی را دولت میفرودند یکی فاقد آن نظر است بجهت اینکه همانطور که آقای حاج شیخ اسد الله اظهار کردند بنده هم تصور میکنم اگر بایده فروخته شود باید از کلیه عایدی اربابی که ثلث است (چون رهبت املاک خالصه سه کوث میدهند) و ثلث عاید مالک میشود باید از کلیه آن یک عشر را برای مالیات بگذارند و نه عشر که باقی میماند و اینکه آقای مفرم فرمودند بعضی خالصات هستند

که عایدیشان کمتر از مثال دیوانی است بنده تصور میکنم کسانی که خودشان را مالک آن خالصه میدانند بعد از گذشتن این قانون آن املاک را خواهد کرد و ابتدا در صد خریداری این مالیات برآید کسیکه مالیات میفرودند برای این است که محصول برادر او را که با آن اندازند داشته باشد البته حاضر نخواهد شد .

حاج عزالممالک - اینجا آقای حاج شیخ اسد الله یک اشتباهی فرموده اند و حالا هم آقای سردار سعید راجع بخاصه جاتی که عایدی آنها بقدر مالیات نیست اظهار فرمودند این مسئله در ماده چهارم پیش پش شده است و البته مراجع خواهند فرمود نسبت بخاصه جاتی که عایدی آنها زیادت از مالیات نیست یعنی عایداتش برای مالیاتش کافی نیست پیش بینی شده است اما نسبت بخود ایشان است که کمیسیون نوشته است نه عشر مثال دیوانی را مالک بپردازد برای این است که بواسطه این قانون رفع اختلافات شده باشد حالا تازه ما میخواهیم یک اشکالاتی برای وزارت مالیه تولید کنیم و مالک دولت را داخل در یک کم مالیات جدیدی بکنیم آقایان مسوق هستند که در سه قوی ثیل مجلس شورایی تخفیفات را در بعضی جاها تا این وقت مستمسک شده اند آن اضافات را انداخته و دولت تصمیمی گرفته هیئت دولت حاضر آن تصمیم را مطابق صرفه دولت ننید و آنرا نقض کرد حالا باید یک فکری برای وزارت مالیه بکنیم عایدات خالصات انتقالی از بین نرود برای آنکه اختلافاتی بین مالکین و دولت و امانت مالیه هست و شاید امانت مالیه عایدات آنها را در تحت نظر خودشان گرفته اند و رفع این اختلافات هر چه طول بکشد اسباب زحمت خواهد شد اما چرا عشر مثال دیوانی را نوشتیم برای اینکه اجرای این قانون موکول بیک ترتیبات و میزبانی جدیدی نشود زیرا اگر ما در این تفاوت مابین میزبانی و مالیات را ملاحظه میکنیم وزارت مالیه ناچار بود یک میزبانی در خالصات انتقالی بکند و عشر عایدی را معین کند آنوقت مالک آن تقاضا را بپردازد این مسئله معق است که امروز برای دولت مقدور نمیشود که فوراً شروع کند بمیزبانی و تقاضا را معین کند بنا بر این برای رفع اختلافات ما فکر کردیم دیدیم یک عشر آن مالیات را که در حقیقت با عشر عایدی میشود معین کنیم بهتر است برای اینکه این همان عایدی است که بدولت میرسد و باید تصدیق کرد که اگر حالا هم شروع به تعیین عایدی واقعی بکنیم اسباب آن در ولایات فراهم نیست و دولت نمیتواند به تعیین عایدی واقعی موفق شود و برای اینکه رفع اختلافات مابین دولت و مالکین بشود اسهل طرق این است که عشر مثال دیوانی را بعنوان مالیات بدهد و نه عشر را بپردازد علاوه این مسئله هم مانع میزبانی کل نخواهد شد در وقتیکه دولت بخواهد میزبانی کل بکند البته اینها هم جزء همان املاک میزبانی خواهد شد پس امروز عشر مثال دیوانی را دولت میفرودند و باز مشتاق خواهد بود که دو باره میزبانی بکند و عشر عایدی را بگیرد در خصوص عشر عایدی هم که آقای سردار سعید فرمودند باید عرض کنیم که هنوز اختلافات هست ملاحظه بفرمایند این است که مالیات عبارت از عشر عایدی مالک است نه عشر عایدات کل آن ملک

رئیس - مذاکرات در ماده اول کافی نیست ؟ (گفته شد رأی گرفته شود) **رئیس** - رأی میگیریم که مذاکرات در ماده

کافیست یا خیر؟ آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند .

(عده کثیر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد که مذاکرات کفایت ماده دوم قرائت میشود .

(بعضیون ذیل قرائت شد)

ماده (۲) - مقصود از مثال دیوانی میزان مالیات معین در فرمان انتقالی است بملایه اضافاتی که تا قوی ۱۳۲۴ بتدریج بر آن افزوده شده (مگر) اضافاتی که در فرامین انتقالیه عدم اخذ آن بصراحت است .
سردار سعید - بنده این لفظ (یک) کدر این نسخه چاپی نوشته شده نفی هم .

مخبر - اشتباه شده است (یک) نیست (مگر) است .

رئیس - در ماده دوم مغالطی هست ؟
حاج شیخ اسدالله - این ماده بیک اندازه

راجع بوده اول میشود - قبلاً عرض میکنم اگر در ضمن مذاکرات اشتباه لفظی بشود نباید مورد تنقید شود اصل مطلب را باید جواب دادند اشتباه لفظی را . . .

رئیس - اینک بمفرمانند راجع ماده دوم نیست .

حاج شیخ اسدالله - چون برایش بنده

تنقید کردند لازم بود توضیحی عرض کنم در این

ماده مثال دیوانی را معین میکنند مینویسد که مراد

از مثال دیوانی همان است که در فرمان های یونی در

موقع خریداری خالصجات بر آن خالصه تحمیل شده

در حالتیکه مثال دیوانی که بر آن خالصه تحمیل شده

است تمام عایدی نیست و اگر تمام عایدی باشد راجع

بماده چهارم میشود که آقای حاج هزالمالک فرمودند

که اگر هر آینه تمام عایدی او کمتر از مثال دیوانی

باشد تکلیف همان است که در آن ماده معین میکنند

در اینجا مقصودشان از مثال دیوانی آن مثالی است

که باندازه عایدی نباشد یعنی از عایدی ملک کمتر

باشد هر وقت که مثال دیوانی از میزان عایدی کمتر

شد آنوقت هم اثر آن دولت میفرود شده هیچ صورتیکه

املاک خالصه مالیاتش کمتر از مالیات اربابی بشود که بجز یک

عشر یا ربع عشر یا نلت عشر شود یا اینکه باید اقلاً

مثل املاک اربابی گرفته شود .

رئیس - این مذاکرات راجع ماده اول است .

حاج شیخ اسدالله - راجع بهین است که

مثال دیوانی را معین میکنند .

بعضی جاها است پس ماده دوم تعریف میکند که مثال دیوانی چه چیزی است میگوید آن چیزی است که در فرمان معین شده است بملایه آن اضافاتی که مترجمان اضافه شده است مگر بعضی چیزها که عدم اخذ آن در فرمان صراحت است پس بر این دیگر عشر کم است یا زیاد است مربوط به این ماده نیست اگر آقا تعریف دیگری برای مثال دیوانی قائل هستند و میگویند مثال دیوانی این نیست که در فرمان دولت معین شده است آنرا بفرمایند والا عشر کم است یا زیاد است مربوط به اینجا نیست .

آقا میرزا هاشم - بنده فقط میخواستم یک سؤالی از آقای مخبر بکنم آیا در خصوص خالصجاتیکه آنها را مالکین اول بدیگری انتقال داده اند و یک پول گرانی گرفته تکلیف چیست ؟

رئیس - این سؤال واضح بوده دوم نیست در ماده دیگر سؤالات را بفرمایند جواب میدهند در ماده دوم دیگر مغالطی هست یا خیر ؟

ناصر الاسلام - بنده توضیح میخواهم در ماده دوم در ضمن تعریف مقال می گویند که (مقصود از مثال دیوانی میزان مالیات معین در فرمان انتقالی است بملایه اضافاتی که الی آخر)

اینماده را میخواستم از آقای مخبر توضیح بخواهم چون آن مالیاتها یکبار در فرمان انتقالی معین شده است بر حسب

اطلاعه که داریم چندین قسم است یک قسمش تسعیر شده است و جنس بصورت نقدی شده است و در فرمان آن مبلغ نوشته شده است یعنی یک ملک خالصه بنده

از دولت خریداری کرده ام هزار تومان و حقیقه این هزار تومان در عوض هزار خوروا غله بوده است که

امروز بشکل هزار تومان است ایضا وزارت مالیه که امروز این قانون را تصویب میکند و میزان مصرفه

در فرمان را مناط قرار میدهد آیا همان مالیاتی را که در فرمان معین شده است تعیین میکند یا تعقیب

میکند واصل معامله را میزان قرار خواهند داد این را خواستم توضیح بدهند .

مخبر بلی معلوم است سندیکه در دست مالکین است فرمان و شرایط آن فرمان انتقالی باید معمول باشد و هر شرطیکه در آن فرمان انتقالی صراحت است

از همان قرار رفتار میکنند اگر بخواهیم اصل معامله را تعقیب کنیم یک اشتباهی خیلی خیلی قیالی خواهیم دید والا در اکثر قوانین انتقالیه همان نقدی جنس که

عاید دولت میشده است همان را میتوان مثال دیوانی فروخته اند منتها بعدها بعضی مالکین احکام یا قوانینی

که بعنوان تخفیف یا تسعیر صادر کرده اند و در جزء دستور العملهای سنواتی از مثال صراحت در فرمان تخفیف گرفته اند این قبیل اسناد اخیره البته بر میگردد و

بالاخره حجت قطعی و سندیکه از برای طرفین معتبر است همان فرمان انتقالی است هر چه در فرمان معین شده همان را بملایه اضافاتی که مترجمان تا قوی ۱۳۲۴

افزوده شده است مدرک قرار میدهم اما چرا تا قوی ۱۳۲۴ معین کردیم برای این که بعد از این تاریخ را مطمئن نبودیم که در بعضی جاها اساس محکمی برقرار باشد و تصور کردیم شاید در بعضی جاها تخفیفاتی بی جانی داده شده باشد باین جهت

باضافات تا قوی ۱۳۲۴ قید کردیم .
مبصر الملک - بنده توضیح میخواستم در بعضی فرامین در همان دفعه اول که فرمان

داده شده است جنس را در حاشیه فرمان تسعیر کرده اند از قرار خرواری یک تومان دو تومان یا مثلا پنج تومان آقای مخبر میفرمایند فرمان اولیه معتبر است و آنچه بعد تخفیف گرفته باشند برمی گردد حالا می خواهم توضیح بدهم اگر که در حاشیه فرمان اولیه تصریح شده باشد آیا آن تسعیر برگشته میکند یا همان حالت اولیه باقی خواهد ماند

وزیر مالیه - بنده تصور میکنم با توضیحاتی که آقای سردار معظم دادند دیگر اشکالی باقی نمی ماند فرمان سند انتقالی بمنزله قباله است هر چه در فرمان نوشته شده است و هر مالیاتی که در فرمان صراحت

است همان مدرک است و حالاهم معامله دولت نسبت به آن مبلغ و مقدار خواهد بود اما اگر اعتراضی کنند که چرا اضافات و فروعات را علاوه می کنند جواب

این است که اینها هم در آن موقع معمول بوده است و جزء فروعات ولایتی بوده است که اداره مرکزی وزارت

مالیه صورت آنها را نداشته است پس از آنکه آن صورتهای را تهیه کرده است اضافه کرده است پس همانطور که گفته شد بازم عرض میکنم ام از اینکه

جنس تسعیر شده باشد یا نشده باشد یا نداده باشد و تخفیفی داده باشد هر چه در فرمان صراحت است آن

مخازنه معامله خواهد بود
رئیس - دیگر مغالطی نیست (اظهاری نشد)

کمان میکنم مذاکرات عیناً با این ماده کافی باشد بقیه شورری می گذاریم از برای جلسه دیگر دستور

روز چهارشنبه می دهیم اولاً شورانی در بقیه قانون دخانیات تا بقیه شور اول قانون تبدیل مالیات

خالصجات انتقالی تا لسانت چاپی اعضاء کمیسیون بودجه که چند روز قبل رای دادید و باید اعضایش ششفر

معین شوند و بروند در وزارتخانه برای تا کبند در نوشتن بودجه ها

سردار معظم - بنده در دستور عرضی دارم عرض می کنم در آن موقعی که از طرف دولت لایحه

فروش خالصجات و استقراض داخلی به مجلس داده شد هر دو را رجوع فرمودند کمیسیون بودجه در صورتی

که لایحه استقراض داخلی را باید بکمیسیون قوانین مالیه مراجعه بفرمایند در باب خالصجاتهم کمیسیون

بودجه را بوردت عرض را داده است حالا اگر اجازه می فرمایند هر دو را بکمیسیون قوانین مالیه مراجعه بفرمایند که از برای فردا عصر که کمیسیون منقذی

شود رایورت یکی از آنها را برای روز چهارشنبه بدهند و جزء دستور روز چهارشنبه بشود

رئیس - چون کمیسیون قوانین مالیه دو کار مهم دارد یکی راجع بقانون دخانیات است که چند فقره پیشنهاد شده است و باید در این باب مذاکره شود یکی هم این قانون است اگر رسیدند اگر وقت رسیدگی داشته باشند مراجعه میشود و اگر رسیدند

جزو دستور روز چهارشنبه گذاشته میشود
سردار معظم - مقصود این است که برای فردا هم لایحه استقراض داخلی را و هم لایحه فروش خالصجات را مراجعه بفرمایند که اگر برسد جزو دستور بشود

شعبات گذشته خوبست تجدید شعبات هم جزو دستور شور **رئیس** - روز چهار دم میزان خرابی نزدیک است اگر آقایان مغالط نباشند در همان روز که تعیین هیئت رئیس میشود شعبات هم تعیین شود
اعزاز السلطنه - چون در نظامنامه سه ماده به سه ماه معین شده باین واسطه عرض کردم .

حاج شیخ اسدالله - البته خاطر آقایان نمایندگان بخوبی مستحضر است که امر نان تهران یکی از مسائل مهمه است که هر زمان در این باب

یک اندک غفلت و مسامحه میشده است یک اشکالاتی برای دولت تولید شده است که دولت با خسارات

فوق العاده هم موفق باصلاح امر نان نشده است در این موقع سال که موقع فراوانی جنس و وسائل حمل

و نقل بخوبی فراهم است مشاهده میشود که امر نان طهران خیلی سخت است معنی شنیده ام که بعضی از

دکانین بسته شده و بعضی از دکانها هم که باز است نان خیلی کم و آنهم در نهایت بدی است با این که

توت غالب ضعیف و قفرا نان است و باید دولت خیلی اهمیت باین مسئله بدهد بلکه از وظایف حتمیه دولت

است که همیشه برای این امر مهم پیش بینی بنماید که چهار معظورات نشود بنده چندی قبل در این خصوص

یک سؤالی از وزارت داخله کرده ام و هنوز برای جواب حاضر نشده اند و روز بروز امر نان دارد

بدتر میشود و اگر باین منوال بگذرد بنده تصور می کنم در زمستان کار نان طهران خیلی سخت خواهد شد بنده مأمور دولت را تنقید نمیکنم ولی تصور میکنم

بکفایتی از غفلت حکومت شهر باشد در هر صورت راجع بهر کسی هست از مقام ریاست تمتی می کنم

در این باب یوزارت داخله تا کبند شود که بکفایتی بیشتر در امر نان توجه بفرمایند که قفرا از این

فشار و تنگی نان نگران نباشند یعنی برای زمستان که وسائل حمل و نقل فراهم نیست پیش بینی بکنند

یک جنسی فراهم بنمایند
وزیر مالیه - چون بنده مسبوق از بعضی اقدامات هیئت دولت (مخصوصاً وزارت داخله) در

امران هستم جواب فرمایشات آقای حاج شیخ اسدالله را عرض میکنم اینکه میفرمایند از پیش در امر نان غفلت شده است بنده تصدیق میکنم ولی متأسفانه

آن موقعی که پیش بینی بوده است هیئت دولتی نبوده و موقع بحران بوده است ولی از آنجیکه دولت شروع بکار کرده است مسئله نان را جدا در نظر

گرفته و برای اینکه مسئله نان طهران حتی المقدور بسختی نکشد بعضی اقدامات کرده اند البته آقایان

مسبقاً که جنس یک قسمت مهم از بودجات اطراف تهران را آقت زده است و دولت باید برای تهیه جنس اقداماتی بکند و از نقاط اطراف از قبیل ساوه و هراز و زرنه و جاههای دیگر جنس وارد کند (اگر چه بعضی از آن نقاط را هم آفت زده است) مقصود بنده این است که دولت هر اقدامی باید بکند مگر در است و باز هم تعقیب خواهد کرد و امیدواری هست که اقدامات دولت مؤثر واقع شود
رئیس - آقای سردار سعید راجع به امر نان فرمایشی دارید ؟
سردار سعید - خیر
وزیر مالیه - اجازه میفرمایند این را عرض کنم که چون آقای حاج شیخ اسدالله در ضمن مذاکرات خودشان فرمودند شاید از غفلت حکومت

طهران باشد بنده شهادت دادم که حاکم طهران از وظایف خودش غفلت نکرده است مخصوصاً در این اواخر چند دفعه باینده ملاقات کرده است و بنده خوب حس کرده ام که ایشان در امر نان اهتمام کاملی دارند و بنده هم با ایشان کمک کرده ام و البته بازم خواهم کرد

مؤید الاسلام - راجع با انتخابات هم و ناظم النجار تقریباً در پنج ماه قبل مجلس رای داد که کمیسیون اصلاح نظامنامه داخلی بآن کار رسیدگی کند و رایورت بدهد اگر ممکن است بفرمایند کمیسیون

در این باب چه اقدام کرده
سردار سعید - بنده میخواستم عرض کنم که در باب سؤالی که در روز قبل از وزارت خارجه در خصوص مذاکرات معاون وزارت عدلیه راجع به

ممتاز السلطنه کرده بودم می خواستم بیرسم جوابی آمده است یا خیر ؟
رئیس - یکی سؤال جنابانی بود و یکی هم

سؤال آقای منتشر السلطان راجع بهین مسئله ابلاغ شده است ولی هنوز جوابی نرسیده است باز هم تاکید می شود جواب آقای مؤید الاسلام را هم

آقای مخبر باید بدهند آقای سلیمان میرزا فرمایشی دارید ؟
سلیمان میرزا - بلی

رئیس - اگر این مسئله را در جلسه آتی بفرمایند بهتر است چون عده کافی نیست جلسه بعد که آقایان تشریف دارند بهتر خواهد بود

سردار معظم - بنده هم بطور خصوصی آقای مؤید الاسلام را مسبوق خواهم کرد (مجلس یک ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۶۸
صورت مشروح مجلس روز چهارشنبه ۱۸ ذی قعدة ۱۳۲۳

مجلس دوساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل و صورت مجلس دوازده قرائت شد .

غائبین بدون اجازه - آقایان سلطان الملک حاج شیخ محمد حسین زیدی حاج هفتب الدوله - آقا شیخ رضای دهخوارقانی

قائب با اجازه - آقای سردار سعید
رئیس - آقای صدر الملک عرض بودند و ایشان اجازه داده شده بود اشتهاً بدین اجازه

نوشته اند دیگر غیر از این ایرادی راجع بصورت مجلس هست یا خیر (اظهاری نشد) صورت مجلس تصویب شد دستور امروز اولاً بقیه شور ثانی در قانون

دخانیات تا بقیه شور اول در لایحه قانون تبدیل مالیات خالصجات انتقالی بمالیات اربابی ثالثاً

انتخاب اعضاء کمیسیون که چند روز قبل رای دادید برای تا کبند در تهیه بودجه ها ولی قبلاً چون آقای سلیمان میرزا در جلسه گذشته راجع بقانون مجازات

اظهاری داشتند و وقت نشد بنشاند امروز اظهارات خودشان را بفرمایند اگر مقتضی است حالا بفرمایند

اولاً بمانند باخر جلسه
سلیمان میرزا - اگر اجازه میفرمایند عرض کنم -
رئیس - بفرمایند .

سلیمان میرزا - در مسئله قانون مجازات لازم نیست که بنده در لزوم و اهمیت آن داخل شوم بنظر بنده اگر در این دوره سوم مجلس ما بدو چیز موفق شویم گویا حق خودمان را ادا کرده باشیم یکی تهیه بودجه و معین کردن جمع و خرج مملکت یکی دیگر قانون مجازات اگر این دو اصل

را ما در این دوره موفق شویم و بتوانیم انجام بدهیم گویا موکلین ما از ما راضی باشند و بوظیفه خودمان تا یک اندازه عمل کرده باشیم سایر چیزها

را بنده فرغ بر این دو اصل میدانم و بیش از این نمی خواهم داخل دو اهمیت قانون مجازات شوم و بطور خلاصه عرض میکنم که اگر در این مملکت مردم باید از امنیت یا از هر چه که فرض می کنیم

بهرمند و راحت باشند یا اینکه ما بتوانیم آزادانه اینجا حرف بزنیم باید زودتر قانون مجازات را بگذرانیم تا هر کس بداند اگر خلافی کرد مجازاتی

برای او هست والا با این ترتیب حاضر که می بینیم هر کس هر خلافی می کند تکلیفش معلوم نمی شود یا اشخاصیکه مال دولت را حیف و میل میکنند چون

بهیچوجه قانون مجازاتی در پیش نیست همینطور میگذرد و معلوم نیست بعد از آنکه محقق شد چه مجازات باو داده میشود یا سایر اجاعات و تبدیاتی

که از مأمورین دولت یا اشخاص عادی بروز میکنند چون قانون مجازاتی در کار نیست مطمئن هستم که

هر کاری بکنند بک مجازاتی در مقابل نیست آنقدرها اهمیت بصحت عمل نمیدهند باین وصف متأسفانه بنده

میبینم که مدتها است این قانون مجازات در کمیسیون عدلیه مانده است و با اینکه برای ترمیم او تصویب شده که هیئت مقرر که این قانون از کمیسیون گذشته بموقع

عمل بیاید معدالک را که هنوز یک قسمت از قانون مجازات فرضاً قسمت خلاف آنهم تمام نشده است و

هنوز چهار پنجماده از آنهم نگذشته و آنچه بنده از خارج اطلاع دارم هنوز در کلیات این قانون

صحت میکنند و با این ترتیب گمان میکنم بالمره وقت بگذرد و دوره مجلس تمام شود و قانون مجازات

بهیچوجه تمام نشود و بورد عمل نیاید این است که میخواستم از آقای رئیس استنفا کنم که تا کبندی

بفرمایند و همین طور از آقایان اعضاء کمیسیون استنفا میکنم که اهمیتی بقانون مجازات بدهند و

جلسات خودشان را هر چه قدر میتوانستند زودتر و متوالیاً تشکیل بدهند شاید باین مقصود نائل شده و

باین خدمت بزرگ موفق شوند .
مدرس - مکرر در اغلب مهنما از قانون

مجازات اسم برده می شود و چون بدبختانه بنده یکی از کسانی هستم که در کمیسیون عدلیه هستم میخواستم عرض کنم که تجربیات ما نشان داده که قانون نویسی کار بسیار آسانی نیست بواسطه اینکه

در دوره سابق کمیسیون عدلیه زحماتی کشیدند و با اقدامات آقای مشیرالدوله (که انصافاً باید اهل این مملکت قدر ایشان را بدانند و خیلی کم نظیرند) و بعضی آقایان هم تشریف داشتند و قانونی نوشتند افسوس بعد از آنکه این قانون بورد اجراء رفت خوب بعمل اجراء گذاشته نشد چقدر زحمات ببرد وارد شد و چه قدر گفتگوها و اشکالات تولید شد لهذا این تجربیات ما نشان داد که باید خیلی در قانون دقت بکنیم ملاحظه بفرمایند یک ماده بادوامه

یاسه ماده که بمجلس می آید چند جلسه در آن مذاکره میشود نانون مجازات آنچه متعلق بمجازات غیرمالی است فعلا بر آورده شده است هزار و پانصد ماده است اگر مجازات مالی هم بر آن اضافه شود شاید هزار ماده علاوه شود و دوهزار و پانصد ماده شود در این قانون باید خیلی امان نظر کرد و گمان این است که کمیسیون هفته سه روز منقذ شده و کار هم کرده است با اینکه گاهی از اوقات بعضی مواضع از برای اجراء پیدا می شد و حاضر نمیشدند ولی باز اگر ملاحظه بفرمائید چندان کوتاهی نشده است نوشتن يك قانون باین بزرگی و عظمت با ملاحظه مقتضیات مملکت که بلکه انشاء الله تعالی در مقام اجرا هم اشکالاتی پیدا نشود (اگر چه بنده هیچ از این اشکالات و تهاجمات که وارد میشد ملاحظه ندارم) ولی باید ملاحظه کرد يك قانون که از مجلس خارج میشود یا از کمیسیون که بتصویب مجلس قانونی می نویسد میگردد باید خوب اجراء شود که يك لطمه بمجلس شورای ملی وارد نیاید لهذا باید خیلی مراعات کرد که قانونیکه از مجلس خارج میشود خوب تلقی و قبول شود پس میخواهم عرض کنم که بهیچوجه کوتاهی نشده است و امیدواری هست که موفق بشوند بلکه تا چند روز یا يك ماه دیگر نظر در کلیات تمام شود بعد از آنکه نظرشان در کلیات يك جانی رسید آن وقت تطبیق کلیات بر صورتیاتی خیلی سهل است و (۷۵۰) ماده هم مسوده شده است ولی عمده نظر فلسفه و کلیات است لهذا آقایان را بذات میدهم که اگر خداوند عالم توفیقی بدهد و آقایان اعضاء کمیسیون هم اغلب روزها را نت نکند یعنی ما یک هفته دودقه (امیدواریم که انشاء الله الرحمن موفقی شویم دیگر با خداست انشاءالله کوتاهی نخواهیم کرد

رئیس - اظهارات آقای مدرس البته خیلی صحیح است هر قانونیکه نوشته میشود باید با ملاحظه اطراف و جوانب کار از روی تامل و تامل باشد ولی این را هم برای اطلاع آقایان عرض می کنم که کمیسیون عدلیه تا حالا باید تقریباً جاهل چه داشته باشد و چندروز قبل که از کمیسیون عدلیه به بنده رایورت دادند رایورتش این بود که در فلسفه قانون صحبت میشود فلسفه قانون قایل نیست - خوب نمیشود قانون راجع بمطلب دیگریست و به عقیده بنده اگر هم داخل کلیات بشوند کلیات سه چهار ماه طول نمیکشد زیرا اگر در کلیات چهار ماه مذاکره شود در خود ماده بیش از چهار سال باید مذاکره شود دیگر آنکه بمخواستم به آقایان عرض کنم بمجرد اینکه رئیس یا نائب رئیس کمیسیون حاضر نمیشود اعضاء کمیسیون متفرق میشوند در نظامنامه همچو قیدی نشده است که حتماً باید رئیس کمیسیون باشد تا کمیسیون متعقد شود همین قدر که اکثریت اعضاء حاضر شد میبایست حکم کمیسیون مشغول کار خودش شود عرض کردم کمیسیون عدلیه میبایست تا بحال چهل و پنج یا پنجاه جلسه داشته باشد گویا ده یا نوزده جلسه بیشتر نشده است علتش هم این بوده که بعضی اوقات رئیس یا نائب رئیس یا مخیر کمیسیون حاضر نبودند و کمیسیون منقذ نشده امیدوار هستم بمدها که دیگر هوا بهتر است و آقایان میتوانند حاضر شوند جلسانشان مرتباً منعقد شود و هر چه زودتر این قانون تمام شود -

راجع بمالیات دخانیات در جلسه اخیر چند پیشنهاد شده بود بکمیسیون در هجده کسبسیون رایورتی داده است ولی غفلت کرده اند که طبع و توزیع کنند اگر آقایان موافق باشند بهمان قرائت رایورت کمیسیون اکتفا شود .

(رایورت منبور بمضمون ذیل قرائت شد)

چند فقره پیشنهاد بعضی از آقایان نمایندگان محترم راجع بقانون دخانیات و کمیسیون قوانین مالیه با حضور آقای وزیر مالیه مطرح شور گردید نظر باینکه کمیسیون اساساً مقتضات که مالیات دخانیات مستقیماً از زارع اخذ نشود پیشنهاد ذیل را با اکثریت آراء تصویب نموده .

ماده ۶ - مالیات دخانیات مذکور در این قانون مستقیماً از زارع اخذ نخواهد جزئیات اخذ این مالیات منوط به تهیه نظامنامه است که در ماده پنجم این قانون ذکر شده است در خصوص پیشنهاد آقای مدرس نظر باینکه جرح و تعدیل و تخفیف در مالیات از وظائف خاصه مجلس شورای ملی است کمیسیون نتوانست چنین حقی را بدولت بدهد .

رئیس - ماده مجدداً قرائت میشود و رای میگیریم .

(مجدداً ماده ششم قرائت شد)

رئیس - در این ماده مغالطی هست .

حاج شیخ محمد حسن گروسی - توضیح بدهند .

رئیس - توضیح بفرمائید تا توضیح بدهند

حاج شیخ محمد حسن - اینکه نوشته است مستقیماً از زارواخذ میشود و توضیح بدهند مقصود چه چیز است از او مستقیماً اخذ نمیشود یعنی بطریق غیر مستقیم از او اخذ میشود ؛ با اینکه از او اخذ نمیشود از کی اخذ میشود مقصود این است که تعیین طرف بشود آن کسیکه میبایست در دادن مالیات طرف باشد کیست ؟ از او اخذ نمیشود آن دیگری را که از او اخذ میشود باید معین کرد .

حاج عزالممالک - عمده نظری که اغلب آقایان نمایندگان داشته این بود که وضع این مالیات طوری نشود که باعث شود سکنه بزراعت وارد شود و اخذ این مالیات طوری باشد که بزراعت تمیل شود اگر چه در مذاکره آنیکه شد قبلاً این مسئله تصریح شد که تمییبی از زارع گرفته شود ولی برای اینکه در قانون تصریح شده باشد دیگر ایرادی پیش نیاید و امورین دولت هم نتوانند از زارع در سر زراعت این مالیات را بگیرند این ماده تصریح شد اما اینکه نوشته شده است مستقیماً و آقا فرمودند بطور غیر مستقیم ممکن است اخذ شود البته وجهت یا مالک هر کسی که استعمال میکند و توتون را مصرف میکند این مالیات بطور غیر مستقیم از او اخذ میشود . میخواستم رعیت باشد یا تا بر هر که میخواهد باشد ولی مستقیماً از زارع اخذ نخواهد شد هر کس مصرف میکند بطور غیر مستقیم این مالیات را خواهد داد .

رئیس - رای میگیریم بماده ششم به ترتیبی که قرائت شد آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند .

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد آقای حاج شیخ حبیب الله دوقره پیشنهاد کرده بودند کمیسیون رد کرده است

با وجود این بفرمائید قرائت کنیم و رای بگیریم .

حاج شیخ حبیب الله - اگر رای بگیریم میبوی ندارد .

(پیشنهاد اول بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که این دو ماده ببقیه مواد ملحق شود .

۱ - تباکو و توتون که مالکین وزارتین جهت مخارج و مصارف شخصیات زراعت می نمایند از مالیات معاف است

رئیس - توضیح بفرمائید .

حاج شیخ حبیب الله - آن یکی را هم قرائت کنند در هر دو بکمرته توضیح میدهم

رئیس - بسیار خوب قرائت میشود (پیشنهاد ثانی باین مضمون خوانده شد)

۲ - توتون و تباکو تا وقتی که بتجارت فروش نشده است در شهر ها و قصبیات عمده از مالیات معاف است .

حاج شیخ حبیب الله - در پیشنهاد اول پیشنهاد شده است که زارعین و مالکین که جهت مصارف شخصی خودشان زراعت میکنند از مالیات معاف باشند و علتش این است که این مالیات را که دولت وضع کرده ملاحظه این را کرده که رعیت از اراضی که انتفاع بر میدارد عشر آنرا بدهد چونکه عشرش را که باید بدولت بدهند معین بود چه باید بدهند هر سال چقدر عاید میشد لهذا دولت قدر متیقن باید را ملاحظه کرد و فرمود چون از اراضی انتفاع میبرند باید آنقدر بدهند بعد از آنکه عاقل این شد مقدمه مخالفت در کلیات بفرمائید .

این باشد مسلم است که از یک جنس و از یک شئی نمیشود دو مرتبه مالیات گرفت برای رعیت چه فرق میکند چه کدم چه جو و چه غیر از آنها هر یک از حیوانات این مالیاتی را که میدهند برای زراعت است یکی از زراعتها هم تباکو است که ده يك میدهند فعلاً هذا از یک جنس دو مرتبه نمی شود مالیات مطالبه کرد این يك مقدمه دیگر اینکه ما گفتیم از رعیت بگیرند اگر چه بنا بر فرمایش آقای مخیر بطور مستقیم است یعنی قبلاً سر زراعت نمیگویند بیا مالیات بده ولی آن تباکو را میبرند بداره دخانیات یا آن اداره که برقرار می شود و قیمت میکنند و میگویند مالیاتش فلان مقدار میشود و از او بگیرند چونکه رهایی ایرانهم بمرس دخانیات مبتلا اگر نباشد از همین وجهت که خودش زراعت کرده است باین مالکین که برای خودشان زراعت کرده اند مالیات بگیرند بکلی این زراعت از بین میرود بواسطه این که باید میلی زمین و آب را تلف کنند و مشغول بدارند تا وقتی که يك تباکو می حاصل کنند اگر بنا باشد يك مالیات گرفته می شود بر او بسته شود بکلی باب این زراعت سدود خواهد شد و باب تجارت تباکو هم بسته خواهد شد اینهم يك مقدمه - اما مقدمه ثانیه و ماده ثانیه که عرض کرده ام تا وقتی که بشهرها و قصبیات عمده بفروش نرفته باید از مالیات معاف باشد بلحاظ این است که اگر بنا باشد دولت از برای هر ده که در هر قریه و کلاسه يك مأمور نفتیش و کذا و کذا معین نمایند لابد دخل دولت و قا بخرش نخواهد کرد و می بینم صرفه دولت نیست که از برای تباکو که يك قیمت کمی دارد خرج بسیار بکند اما ملاحظه ملت که گفتم برای

ملت هم يك منفعتی هست بعد از اینکه وجهت یا مالک فهمیده مالیات نمیدهند بقدر متصرف بر میدارند و باقی آن که میماند پنجهیکه سایر مال التجاره ها در شهرها بفروش میرود او هم بفروش میرسد در قراعه که تباکو و توتون عمده بفروش نمیرود لابد در شهرها است آنوقت هم دولت مالیات خودش را گرفته و بآن مقصودیکه داشته است (یعنی تکثیر عایدات) رسیده و هم بملت هم ضرری نخورده این نظر بنده است که عرض کردم .

رئیس - آقای مخیر قبول میکنید .

حاج عزالممالک - خیر رای بگیریم .

مدحت السلطنه - اولاً راجع باینکه آقای حاج حبیب الله فرمودند این مالیات را از رعیت گرفتن موجب ضرر و خسارات رعیت خواهد بود برای اینکه رعیت يك مرتبه مالیات میدهد مگر در اینجامذا کرده شد و بالاخره يك ماده هم تصویب شد و نوشته شد که مستقیماً از رعیت گرفته نشود و مقصود این است که در سر محصول از تباکو یکیکه از اراضی حاصل میشود مالیات نگیرند و معلوم است اگر بنا شود زراعت باسم اینکه تباکو از برای مصرف خودش است مالیات نهدد و معاف باشد مقدار کلی ضرر دولت خواهد شد و در اینخصوص آقای زنجانیهم پیشنهاد فرمودند که باندازه مصارف و مخارج رعیت از مالیات معاف باشد و رد شد و البته ضرر دولت خواهد بود يك قسمت از اظهارات هم مخالف با کلیات قانون بوده که میفرمودند این مالیات بهمال رعیت و زارع مضرت است و این هیچ موقع نداشت بلکه میبایست مخالفت در کلیات بفرمائید .

رئیس - رای میگیریم به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای حاج شیخ حبیب الله دوقره است یکی یکی قرائت میشود و رای میگیریم .

(مجدداً فقره اول قرائت شد)

رئیس - آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند .

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - فقره دوم قرائت می شود .

(مجدداً قرائت شد)

رئیس - آقایانیکه این اصلاح دوم را قابل توجه میدانند قیام نمایند .

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - اصلاحی است از طرف آقای مدرس قرائت میشود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده الحاقیه - دولت ملذون است در صورتیکه مالیات توتون و تباکو و مضربه تجارت داخله باشد در قصبیات مجلس شورای ملی تحقیق در آن بدهد

رئیس - پیشنهادیم آقای ارباب کبیر و الان فرستادند تا اندازه مربوط بهمین مطلب است قرائت میشود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در آخر ماده دوم مالیات دخانیات این تبصره ضمیمه شود (مالیات مقرره نسبت به توتون و سیگار به ترتیب ذیل اخذ خواهد شد - در سال اول صدقه دوم صدیق است و از سال سوم بپند صدی)

مدت هم - این پیشنهادیکه بند عرض کردم بر این است که از قرار حدسیات و تخلفات این مالیات خصوص توتون سیگار اسباب ضرر تجارت داخله خواهد بود و مسکن است دولت در مقام اجرا بیاید و مجلس شورای ملی در آن وقت تمطیل باشد و موقع مجلس منقضی شده باشد و مجلس بعد هنوز تشکیل نشده باشد دولت هم نمیتواند قانون را هم بزنده بیايد حتماً مالیات صد سی را بگیرد و از آن طرف صدوسی به تجارت داخله ضرر خواهد زد این يك اجازه است که اگر دولت دید ضرر تجارتست تخفیف بدهد اما اینکه آقای مخیر فرمودند این يك مسئله است که شاید وظیفه دولت نباشد عرض میکنم اینهم نظیر آن اعتباریست که بدولت میدهند که در قیاب مجلس اگر يك جائی يك ضرر فاحش به او خورد دولت بتواند يك تخفیفی (بجهت مصلحت مملکت) بدهد و این هم با هیچ قانونی از قوانین منافات ندارد الان مجلس يك اجازه بدولت میدهد که در صورتی که دید این مالیات مضر به تجارت داخلی است يك مقداری تخفیف بدهد که مضر به تجارت داخلی نباشد و گمان میکنم خیلی از شبهات بواسطه این مسئله رفع شود اگر واقعه مضر گفتم که هیچ و الا اگر مضر شد در قیاب مجلس شورای ملی دولت بمحظور نباشد که بکدمه سالی صد هزار تومان دویست هزار تومان تفاوت تجارت داخلی شود از این جهت گمان اینست که این ماده مانع قانونی ندارد حالا اگر آقایان می خواهند قبول بکنند .

حاج عزالممالک - پیشنهاد آقای مدرس چند عیب داشت که کمیسیون نتوانست قبول کند اولاً اینکه مطابق توتون و تباکو نوشته بودند در صورتی که تباکو محل رعیت نیست و یکی هم نوشته بودند در قیاب مجلس شورای ملی دولت تخفیف بدهد کمیسیون تصور میکرد که یکی از وظایف مجلس شورای ملی است که مالیات زیاد را کسر کنند و بطور مطلق نمی شود این اختیار را بدولت داد اما يك نظر اینست که آقای ارباب کبیر و پیشنهاد کرده اند آن امری است علیحده آهم باید اختیاری باشد نه بطور اجباری بطور اختیاری می شود مجلس دولت را مجاز کند که به يك حد معینی تخفیف بدهد ولی نسبت ببیشهاد آقای مدرس چون دولت را بطور مطلق مختار میکرد که در قیاب مجلس شورای ملی تخفیف بدهد صحیح نبود در صورتی که اساس مشروطیت تمطیل بردار نیست و هیچوقت نباید مجلس شورای ملی نباشد و دولت مختار باشد اینکار را بکند بنا بر این کمیسیون نتوانست این رای را بدهد

رئیس - آقای سردار معظم راجع بهمین مطلب است .

سردار معظم - بلی بنده با آقای مخیر موافقم .

(آقای ناصر الاسلام و نجفقلی میرزا و مدحت السلطنه هم موافق بودند)

رئیس - پس رای میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای مدرس .

مدت - حالا که موافقت بنده پیشنهاد خودم را پس میگیرم .

رئیس - بسیار خوب آقای ارباب کبیر و توضیح می دهید .

ارباب کبیر و سردار معظم - برای یکمده هیچ تردید نیست که آن رقابت خارجی با برقرار کردن صدی سی یا صدی بیست یا صدی ده هیچ فرقی نمیکند و ترویج خواهد شد اما برای یکمده که موافق این عقیده نیستند علاوه بر اینکه پیشنهاد آقای ارباب کبیر و راه چاره نیست يك مضرت دیگر را هم تولید میکنند و آن این است که با مالیات صدی سی شاید دولت يك عایدات قابل برسد ولی با امتداد مدت امتحان دو ضرر بر ما وارد میاید و آن این است که اگر صدی سی امتحان کنیم آنوقت همانطور که آقای ارباب فرمودند اگر دولت دید در اخذ صدی سی بر رقابت خارجی افزوده میشود بعد از یکسال نظریات خود را پیشنهاد میکنند ولی اگر اینطور باشد شاید مجبور شود بعد از سه سال پیشنهاد کند و از طرف دیگر يك عایداتی که ممکن است از این راه عاید دولت شود فعلاً يك ثلث عاید دولت خواهد شد پس بنده با کمال موافقتی که با نظر آقای ارباب دارم که البته دولت باید خیلی در مسئله دخانیات دقیق شود و اگر بر فرض در قدم اول هم دید يك مضرت بزرگی متوجه مملکت میشود قورا لایحه نسخ این قانون را ببینند مجلس کند عرض میکنم برای رسیدن به نتیجه این امتحان هیچ لازم نیست که صدی سی را بطل بصدی ده بکشیم بلکه ممکن است دولت يك سال بهمین صدی سی رفتار کند بعد اگر ضرری متوجه شد نتیجه امتحانات خودش را بمجلس تقدیم خواهد کرد .

رئیس - آقای حاج شیخ اسد الله مخالفید یا موافق .

حاج شیخ اسد الله - مخالف پیشنهاد هستم همان فرمایشاتی را که آقای سردار معظم فرمودند بنده هم همان نظر را داشتم حالا باز اگر توضیحی بدهند بعد عرض میکنم .

رئیس کمیسیون قبول میکند

حاج عزالممالک - خیر .

رئیس - پس باید رای بگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند .

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - مذاکرات در کلیات قانونست در کلیات مخالفی هست یا نیست ؟

سر دارم معظم - بنده مخالفم ولی نظریات بنده همانستکه مکرر عرض کرده ام تمام آقایان مسبقند دیگر تکرارشان را لازم نمی دانم .

منتصر السلطان - سابق بر این عقاید خودم را راجع به مالیات دخانیات عرض کرده ام در جلسات قبل راجع به واردات و صادرات مذاکره میشد و واردات در سال صد و پنجاه هزار تومان مناکره میکردند در حالیکه اگر در روزنامه یومیه رده که از اداره گمرک صورت واردات و صادرات را گرفته و منتشر نموده خوب بدقت ملاحظه فرمایید در سال چهارصد و نود هزار تومان بنا جزئی کمتر (که درست نظرم نیست) وارد خاک ایران میشود و در سال تقریباً نزدیک سیصد هزار تومان خارج میشود در صورتیکه هنوز مالیات بر قرار نشده و باین قانون رأی داده نشده اینطور است حالا هم که بعضی از آقایان راجع به امتحان مذاکره میفرمایند چون امروزه در تمام دنیا جنگ است و ممکن نیست تجارت بطور آزاد در تمام دنیا رواج باشد و در مملکت ما هم معلوم شده است که گمرک ما نصف شده بواسطه همین است که باب تجارت مسدود است و فعلاً ما نمیتوانیم امتحان کنیم که الان تجارت توتون چقدر است بعد از جنگ البته همین خواهد شد ولی این بر همه آقایان مشکوف است که یک جزیکه امروز مالیات ندارد در سال چهارصد هزار تومان و چیزی یا قریب کرور دخانیات خارج وارد مملکت ما میشود و پول طلا در مقابل این خارج میشود آری بعد از وضع ایندلیات چه خواهد شد عیناً همان مسئله است که در مجلس سابق راجع به نام اتفاق افتاد و بنده هم در جلسه سابق عرض کردم متأسفانه حالام می بینم که بواسطه وضع این قانون در سال چندین کرور پول طلا ایران به دست باید بخارجه برود

حاجز الممالک - آقای منتصر السلطان طوری در مطلب سابقه فرمودند که هیچ نمیشود تصور کرد خودشان میفرمایند چهار صد هزار تومان توتون خارج وارد می شود و در مقابل سیصد هزار تومان خارج می شود و اگر صدی سی اضافه کنیم صد هزار تومان باقی مانده صدی سی هزار تومان می شود دیگر بطور شد که می گویند چندین کرور دخانیات بایران آورده اند لازم است خدمت ایشان عرض کنم که این قانون دخانیات منبغ صادرات را نمی بندد اگر مالیاتی در این مملکت وضع می شود عووض تجار مجاز خواهند بود که توتون ایران را هر چه می خواهند بخارج ببرند و پول طلا وارد مملکت کنند این هیچ ضرری به اصلاح توتون و تنباکو و تجارت آن وارد نمی کنند هر تنباکو که خارج شود پول بجایش می آید این را هم عرض کنم که یک مسئله عمده این است که این مالیات بیشتر بآن چیزی وضع می شود که محل رقابت خارجی نیست یعنی تقریباً سه قسمت شاید هم بیش از این مالیات دخانیات بر تنباکو و توتون چاقی تحمیل می شود که آنهم راجع به داخله مملکت است مصرفش در خود ایران است یک قسمت کوچکی از آن راجع بود توتون سیگار که محل رقابت است علاوه در اینجا مکرر مذاکره شده که رقابت وقتی می شود که قیمت توتون داخله زیاد تر از توتون خارجه باشد در صورتیکه با اضافه صدی سی (که آقای وزیر مالیه هم توضیح دادند و بنده هم از خارج تحقیق

کردم) گرانتر از قیمت توتون خارجه نخواهد شد و اگر تصور می شود برای ارزانی مردم توتون خارجه را مصرف میکنند اینطور نیست چون قیمت توتون داخله ارزان تر است پس برای ارزانی کسی توتون خارجه مصرف نمی کند و فقط برای مذاق است پس اگر تصدیق کردیم برای مذاق است چه این مالیات را اضافه بکنیم چه نکنیم آن کسیکه سیگار بکشد بیچاره ایست که صدی سی بر توتون داخله اضافه کنیم سیگار برک خودش را خواهد کشید .

سر دارم معظم - بنده تصور می کنم که مطلب باین سادگی که بیان فرمودند نباشد البته بیچسب منکر لیاقت تحمیل مالیات بر دخانیات نیست و در این مطلب هیچ کسی تردید ندارد و در موقع جواب دادن یا تصدیق یا تکذیب نباید گفته شود که شنیده ایم مالیات دخانیات خیلی خوبست بلی بدون تردید دخانیات بهترین مورد مالیات گذارست ولی در بعضی مواقع یک مقضبات خصوصی تولید میشود که مضراتش فایده می کند و بعقیده بنده مملکت ایران یکی از ممالکی است که مضرات مالیات دخانیات بر مصنانش فایده میکند البته تصدیق خواهند کرد که تنباکو یکی از محصولات انحصاری ایران است و از چندین قبل هم زراعت توتون ایران در معمول شده است این یکی از چیزهای ساده است که هر یک از ممالک دنیا منصف هستند محصولات فلاحی خودشان را به شوق و ترقیب نگاهداری کنند و مادامیکه اسباب آتزا فراهم نکنند نباید تحمیل بر آن بکنند و اگر تحمیل مالیاتی بر محصول مملکت خودش بکند نتیجه خوبی نخواهد برد و بکنم سه قران از تنباکو و توتون ساخته نشده و بکنم تومان ساخته شده میتوانست یک بلغم ریادی بگیرد یا بر گمرک اضافه کند بنده هم آنوقت کاملاً موافقت میکردم که چون گمرکش زیاد شده است بهمان مناسبتی که حق گمرک اضافه شده است همانقدر بر توتون و تنباکو داخله مالیات اضافه شود ولی مادام که این قضیه نشده است (و مادام که بنده مطمئن نیاشم که در موقع فروش توتون خارجی از تحمیل مستثنی نخواهد بود و هر دو مثل هم نیستند و فقط بر تنباکو و توتون داخلی تحمیل نخواهد شد که بهمان جهت توتون خارجی مصرفش زیادتر بشود) تصور میکنم هر نوع تحمیلی که بر تنباکو و توتون داخلی بشود اسباب این میشود که یکی از وسائل بزرگ ترویج تجارت خارجی بشود و بکنی تجارت و زراعت توتون و تنباکو داخلی از میان برود پس قبلاً و مقدمتاً برای اینکه تمام منافع مالیات دخانیات عاید دولت بشود باید یکی از این دو مقدمه تهیه شود در اینجا آقای مخیر یک جمع و خرج مختصری فرمودند که چهار صد هزار تومان و خورده وارد میشود و یک مبلغی خارج میشود و تفاوت مابین صد هزار تومان است و فرضاً اگر صدی سی هم اضافه کنیم صد و سی هزار تومان میشود بنده عرض میکنم این طور نیست اولاً جنس توتونی که وارد میشود با جنس توتونی که خارج میشود متفاوت است اینها را نمیشود باهم مقایسه کرد قسمت اعظم این تجارت که از مملکت ما خارج میشود تنباکو است و آن چیزیکه بمملکت ما وارد میشود توتون و سیگار ساخته شده است که اگر به استاتستیک گمرک رجوع کنند خواهند

دید که هر سالی متجاوز از صد هزار تومان سیگار ساخته شده وارد میشود مبلغ هم توتون چاق و سیگار است که وارد میشود پس این مطلب را نمیشود اینطور مقایسه کرد و گفت صد هزار تومان باقی میماند زیرا اگر ما به واردات مملکت خودمان نگاه کنیم باید بگوئیم هر ساله قریب یک کرور تومان (یعنی تا زمانی که بر توتون و تنباکو مسا تحمیلی نشده است) توتون و تنباکو وارد می کنیم این مطلب بنظر بنده خیلی طبیعی و ساده است که اگر یک تحمیلی به توتون داخله شود بهمان اندازه توتون خارجه زیادتر وارد میشود حالا در جواب ما که در این مجلس ایراد را کرده ایم جنابالی میفرمایند هیچ اشکالی برای صادرات نخواهد بود و صادرات سر جای خودش هست در حالیکه این مطلب مربوط باین قضیه نیست و عرض کردم مادامیکه دولت برای واردات یکی از این دو شق را اتخاذ بکنند نمیتوان این مالیات را تصدیق کرد و این نکته را هم نباید فراموش کرد که آقای ملک الشرا در جلسه گذشته میترسیدند که مبادا بعداً برای ورود توتون بمملکت ما جائزه ها داده شود بنده عرض میکنم غیر حالا هم جائزه داده میشود و برای یک (گیروانکه) توتون که داخل ایران میشود در سرحد ایران توتون سیگار اهلای بود کیک و برای توتون متوسط چهل و هشت کیک و برای سیگار پرک بیست کیک جائزه داده میشود پس با این جائزه که داده میشود دیانگذاشتن یک توتون را بعنوان تعرفه گمرکی بنده با کمال تأسف و بدون تردید عرض میکنم اشخاصی که اظهار امیدواری میکنند و میگویند با گذشتن این قانون این طور نخواهد شد اینطور نیست و بهمان نسبتی که بر توتون داخله تحمیل میشود بهمان نسبت واردات توتون ساخته شده و ساخته نشده خارجی زیادتر خواهد شد

فحفتلی میرزا - اختلافی که هست این است که اغلب نمایندگان چه در جلسه قبل چه در این جلسه میفرمایند که اساساً با تکثیر عایدات موافق هستیم من نمیدانم تکثیر عایدات چه چیز است و از کجا تکثیر عایدات خواهد شد و اگر یک راه تکثیر عایدات غیر از قانون مستغلات و قانون دخانیات که بمجلس می آید و مخالفت میشود نشان میدادند و معلوم میشد که این مخالفت که میشود از چه راه است و بنده میفهمم من هم مخالفت میکردم این قانون دخانیات یک چیز بدون سابقه نبوده که بدون فکر بمجلس آمده باشد یک سوایقی دارد شاید شاه یا یک سال در نعت مذاکره بوده است و بین خزانه داری و ماورین گمرک که در سرحدات داشتند مذاکرات زیاد شده است و برای مدت این قانون ملاحظه احصائیه و ترتیبات اجرای آن شده است و برای جلوگیری از رقابت تجارت خارجه هم پیش بینی شده که صدی سی معین کرده اند زیرا در زمان مسبو هس که چند سال رئیس گمرک جنوب بوده و پس از آن چند سال هم رئیس گمرک سرحدات شمال ایران بوده و کاملاً در این خصوص دقت کرده خیلی پیش از صدی سی پیشنهاد کرده بود لایحه او هم فعلاً موجود است پس معلوم می شود که اینجا ملاحظه رقابت خارجی را کرده اند و صدی سی معین کرده اند این احصائیه هم که میفرمایند احصائیه چند سال قبل است و تا بحال از آن احصائیه کاسته

شده است و در این سنوات اخیر زراعت دخانیات مخصوصاً زراعت توتون در ایران خیلی ترقی کرده است و میشود گفت که از واردات توتون خیلی کاسته شده است یعنی کمتر از سنوات قبل وارد میشود و تصور میکنم با رعایت صدی سی جلو رقابت گرفته شده باشد و با همان نظریات عمیقانه که از طرف خزانه داری شده جلوگیری خواهد شد و علاوه بر این ممکن است دولت در صورت موفقیت داخل دربار مقررات و قراردادهای شود و اجراء کند و در صورت عدم موفقیت ممکن است نسخ این قانون را تقاضا کنند چنانچه در قانون نمک دقتی مضراتش را فهمیدند نسخ آنرا بمجلس پیشنهاد کردند و در انجاب نقاط هم اتفاق میافتد که یک قانونی وضع میشود و بعد نسخ میشود پس بعد از آنکه در کلیات این قانون و شور اول مذاکرات شد و در موادش هم رأی داده شده است گمان میکنم دیگر در کلیاتش بیش از این مذاکرات لازم نباشد زیرا اثری ندارد و بالاخره این قانون با کثرت خواهد گذشت .

سر دارم معظم - از مفاد نطق حضرت والا همیشه معلوم شده که مخالفتی که با این لایحه میشود بعنوان تکثیر عایدات بنده مجبور هستم آنچه ایشان را جاب کنم که این مخالفت از این نقطه نظر نیست چنانکه لوابج دیگر تکثیر عایدات که بمجلس آمد و گذشت یکی از مدافعین جدی آنها خود بنده بود و همیشه این نکته را یادآوری کرده ام و در اینجا آنچه مخالفت میشود نه از نقطه نظر عدم لزوم تکثیر عایدات است و نه از مشارکت با این نظر است که تمام منابع دولت منحصر بقانون دخانیات است (اگر چه شاید بنظر حضرت والا منحصر باشد) ولی تصور میکنم اگر دولت از روی جدید در تکثیر عایدات فکر میکرد منابع متعدده دیگری پیدا میکرد که از آن راه بتواند عایدات خود را زیاد کند و این را هم عرض میکنم که این اظهار اطلاعی هم که از استاتستیک گمرکی کردم صورتی است که در هزار و نهصد و سیزده هزار و نهصد و چهارصد تابع شده است .

منتصر السلطان - در خصوص تکثیر عایدات جوابی که آقای سردار معظم فرمودند بنده هم تصدیق میکنم اما در باب اینکه بنده عرض کردم در سال چندین کرور تومان پول خارج میشود و در مجلس تکلیف شد خواستم برای امتناع مذاق معترض عرض کنم که دلیل خارج شدن چندین کرور را مسبوق شونده بموجب صورتیکه از طرف هیئت دولت تقدیم بمجلس شده است زراعت تنباکو و توتون در ایران نزدیک بدو میلیون من تبریز است که در ایران مصرف میشود (بعضی آقایان اینجا اظهار فرمودند تنباکو فقط منحصر بایران است تجربه نشان میدهد که سابق بر این در چند سال قبل همه مردم قلیان میکشیدند و رفته رفته بایران سیگار شد همین طور بعد از اینهم وقتی که به تنباکو مالیات افزودیم همین طور که تا بحال سیگار کشیدن در تریاید است همین قسم هر چه جلو میرویم بعد از اینهم سیگار کشیدن زیاد تر میشود پس باید همیشه نظریات را عقب کرد و عقب مطالب را هم نگاه کرد) پس اگر ما صدی سی را بدو میلیون من توتون و تنباکو اضافه کنیم رقابت خارجی

اجازه خواهد داد که توتون خارجی را صرف کنند و از تنباکو صرف نظر کنند و مبادل دو میلیون من از توتون خارجه وارد میشود و از زراعت داخله کسر میشود پس وقتیکه دیدند صرف نمیکند آنوقت زراعت دیگر زراعت نمی کنند و این زراعت بکنی زمین خواهد خورد چندین کرور که عرض کردم باین جهت بود و البته این چندین کرور در ظرف یکسال خارج نمیشود و بتدریج این تفاوت پیدا خواهد شد .

حاجز الممالک - بنده نسبت بدو میلیون می خواهم عرض کنم آقای مقدار را کم فرمودند بجهت اینکه در لایحه اول سه میلیون چیزی بالا تصور شده است در لایحه دوم که ما صورت خواستیم تقریباً چهار میلیون نوشته اند پس بیشتر از اینها محصول توتون و تنباکو ایران است ولی از آنطرف بنده درست حسابش را ملتفت نشدم که اگر بر این چهار میلیون منی که توتون و تنباکو در ایران بعمل می آید صدی سی اضافه کنیم بطور میشود که آنوقت توتون خارجه بجای تنباکو یکبار که در ایران معمول است و مصرف میشود خواهد آمد در اینجا باید فقط یک نظر را گرفت و دید که آیا با اضافه صدی سی توتون داخله از توتون خارجه گران تر میشود یا نه؟ پس وقتیکه می بینم گرانتر نمیشود پس باید تصدیق کرد که رقابت قیمتی در کار نخواهد بود و در رعایت راجع بدانق است یعنی وقتی بنده بیک توتونی هادت داشته باشم و نتوانم توتون دیگر بکشیم اگر اضافه بشود فرقی نخواهد کرد باز آن توتون را خواهیم کشید پس در صورتی که می بینم با اضافه صدی سی قیمت توتون داخله از توتون خارجه اضافه نمیشود باید تصدیق کنیم که بر رقابت خارجی از حیث قیمت ارزانی نخواهد شد حالا اگر یکمده اشخاصی (با آنکه مالیاتی نبود است) توتون خارجی استعمال میکردند باز هم استعمال خواهند کرد و اگر تجارت و فلاحت ایران از حیث دخانیات زیاد نشود و مربوط باین قانون نیست این قانون کسرا منع نمیکند زراعت و فلاحت نکند پس باید درست دقت کرد که با اضافه صدی سی قیمت حالی توتون داخله با توتون خارجه موازنه میکند یانه آنوقت اگر توتون داخله از توتون خارجه زیاد تر نمیشود باید مالیات گرفته شود الا در صورتیکه قیمت توتون ایران زیاد تر از توتون خارجه بشود باید تصدیق کرد که توتون خارجه وارد ایران میشود و غیر از این دو شق دیگری ندارد .

رئیس - گویا مذاکره در کلیات کافی باشد در این باب مذاکره شود .

رئیس - چه توضیحی شما یک نسبتی بایشان دادید ایشان توضیح دادند .

فحفتلی میرزا - خطاب بنده مستقیماً بایشان نبود بلکه خطاب بنده با مخالفین جلسه سابق بود و جواب ایشان را داده ام زیرا در جلسه سابق این مخالفت شد و دنباله مذاکرات آنروز امروز تعقیب شد چنانچه اگر بصورت مجلس مراجعه فرمایید همینطور خواهد بود و اگر هم همین متوال باشد بالاخره باید مدتی دیگر در این باب مذاکره شود .

رئیس - یک پیشنهادی از طرف آقای میرزا محمد علیخان شده است چون هنوز در کلیات قانون رأی نگرفته ایم حق دارند پیشنهاد کنند

(پیشنهاد مزبور به ضمیمه ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم در آخر ماده دوم مالیات دخانیات بطور تبصره ضمیمه شود مالیات مقرر نسبت به توتون سیگار از فرار صدی بیست است

رئیس - آقای میرزا محمد علیخان توضیحی دارید

میرزا محمد علیخان - در این قانون که از طرف دولت پیشنهاد شده است حق این بوده که در مقدار مالیات چندین صحتی نشود زیرا تصور میکنم که دولت قدر متیقنی در نظر گرفته و این قانون را پیشنهاد کرده است ولی چیزیکه بنده را به این پیشنهاد وادار کرده است این است که می بینم مذاکرات بسیار در خصوص این قانون در مجلس شد و از مذاکرات آنچه استخراج کردم عموماً نمایندگان از مخالف و موافق یا موافق اتفاق دارند که مالیات دخانیات لازم است و مخصوصاً بنظر اینکه از مواد اولیه زندگانی نیست و راجع به تعمیل و تقنین است هیچ ضرری ندارد بلکه خیلی هم لازم است خاصه اینکه لزوم تکثیر عایدات برای دولت دولت را مجبور کرده است بر اینکه حتماً و فوراً با کمال عجله برای اینکه منافعی پیدا کند و یک جبرانی از کسر مخارج بشاید این قانون را پیشنهاد کنید اما مخالفانها بکنند تا اکنون در این باب شده است بدو نظر بود یکی اینکه مبادا این مالیات مستقیماً تحمیل بزرع شود و اسباب زحمت رها یا بشود و اینهم چون یک مسئله اساسی است که همیشه باید مجلس از وضع قوانین و در نظر اول ملحوظ داشته باشد مذاکرات زیاد شد و بموجب ماده که پیشنهاد شد و گذشت این نظر هم ملحوظ شد و اما در یک قسمت دیگر که مکرر و مفصل مذاکره شده است راجع بنظری است که نسبت به تجارت خارجی و انتصادی مملکت مذاکره شده است و این مسئله را هم بنده کمتر از آنکه اولی نمیدانم البته همیشه در وضع قوانین یک اصول مسلم را باید ملحوظ داشت و یکی از آنها همین است که یک رقابت تجارته و کسر تجارت و اقتصاد برای مملکت از وضع قانون حاصل نشود در اینخصوص بعضی اظهارات شده که اگر صورت بگیرد گمان میکنم این نظر را تعمیم کرده است یکی این است که دولت بتواند نسبت به تعرفه گمرکی تصرفاتی بکند و مذاکراتی بکند واز برای موقعیت توتون و تنباکو که مجالجاتی بکند و بجای برسانند از بابت وارد و صادر و موفقیت تجارته خود شرا آسوده کند یکی دیگر اینکه دولت نسبت باین امر مجالجاتی در داخله مملکت اجرا بکند بنده تصور میکنم نظر اولیه (که عبارت از اقدامات دولت است نسبت به اصلاحات تعرفه گمرکی) امروز مشکل است زیرا با لزوم تکثیر عایدات که دولت متذکر شده است و با عجله که برای پیشنهاد کردن این قانون داشته است و بخصوصاً در این اوقات می خواهد موفقیتی پیدا کند باین نظر گمان میکنم تاخیر در گذشتن این قانون از برای دولت یک قدری دشوار و سخت خواهد بود و اصلاحات و تعمیم مجالجات داخلی هم که دولت بتواند در اینخصوص بشناید یک مقدار وقت لازم است که دولت موفق شود و نسبت باین قانون چه در مورد اول و چه در مورد ثانی مذاکرات کافی شده است و می بینم که آن نظر اولیه اصلاح شده است ولی مذاکره قسمت ثانی طوری است که ممکن است یک تریبی بیش بیآورد که قانون نگذرد بنا بر این بنده مخصوصاً قید میکنم که

یک قانونی که بمجلس میآید ولو اینکه ماههای زیاد در آن مذاکره شود و دولت هم خود را در فرط احتیاج ببیند و مجبور بگذاشتن اینقانون باشد باز در مقابل همه اینها یک نقطه قابل ملاحظه است و آن این است که باید رعایت مسائل اقتصادی و تجارت و نظر سیاسی در وضع قانون بشود یا قید باین نکته مخصوصاً عرض میکنم که اشکال در اینجا مسئله ثانی (که عبارت از ترویج توتون خارجی است) تعلق میگیرد چیزیکه محرك بنده در این پیشنهاد میشود این است که این مسئله را باینشکلی ترمیم کنیم بنده در پیشنهاد خود رعایت اینسئله را کرده ام که اگر این قانون از مجلس رد شود آنوقت معلوم نیست که این حس ضرورت تکثیر عایدات که باین عجله از طرف دولت پیشنهاد شده است و این اتفاق کاملی که افراد نمایندگان بکمک و مساعدت دولت در تکثیر عایدات دارند و یا اینکه قانون و مالیات دخانیات بکمالیست که بجای برنامهورد و لازم است امروز وضع شود امیدام در تحت چه عنوان ودیولی تمام این نظریات باید از میان برود پس بهتر این است که با یک مصالحه و اصلاحی در این کار بکنیم که اساس مسئله را که در نظر داشتیم یعنی گذراندن اینقانون و تکثیر عایدات از بین نرود این قانون بگذرد منتهی باید یک اصلاحات و مطالباتی که بنظر میآید با اعتقاد بنده اگر کمیسیون قبول کند مالیات توتون چنانکه در پیشنهاد خود عرض کرده ام از صدی سی به صد بیست تنزل کند شاید عیال خاطر ما را تامین کند که رقابت خارجی در تجارت توتون نسبت باین تفاوت صدی ده تنزل خواهد کرد و هم از این تفاوت یک فرصتی بدولت و مجلس میدهیم که در موقع لزوم یک تجدید نظری بکنند اگر باید بکلی حذف کنند حذفش میکنند و اگر بایدهلاوه کنند علاوه خواهند کرد و اصل موضوعی را که باید اصلاح کنند با فرصت زیاد انجام میدهند این است که برای رعایت این مسئله اساسی تصور میکنم بدینسان که این مالیات صدی سی در توتون سیگار صدی بیست تنزل کند و این صدی ده تفاوت هم یک اندازه از رقابت تجارت خارجی جلوگیری خواهد کرد بنا بر این خوبست تبتیا که او که دچار بر رقابت خارجی نیست ما با هلاکت صدی سی رای بدیم و توتون را که مسئله رقابت در او هست با تخفیف یک صدی ده او را هم از رقابت مصون بداریم تا بعد اگر دولت در اینخصوص یک نظری داشته باشد بمجلس پیشنهاد کند .

رئیس - کمیسیون قبول میکند .

حاج عزالمالک - چون آقای وزیر مالیه موافق هستند بنده هم قبول میکنم در صورتیکه سایر اعضاء کمیسیون در این باب مخالفتی نکنند .

رئیس - بنیاید آراء خودتانرا جمع آوری بفرمایید بعد جواب بدهید اگر مخالفی نیست ده دقیقه تنفس داده میشود تا کمیسیون رای خودش را حاضر کند .

(در این موقع حضار برای تنفس خارج شده و پس از یکسری ساعت مجددا جلسه تشکیل گردید)

رئیس - پیشنهادی است آقای آقامیرزاهاشم

کرده اند که توتون سیگار از مالیات معاف باشد قرائت میشود

(بضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که بر اقسام تبتیا کو و توتون باسنثای توتون سیگار که در خاک ایران حمل میآید از قرار صدی سی مالیات مقرر شود

رئیس - توضیح بفرمائید

آقا میرزا هاشم - عرض میکنم بوجوب مذاکره تبتیکه آقایان در این چند جلسه کردند فقط چیزیکه موجب رقابت است توتون سیگار است باین جهت پیشنهاد میکنم که توتون سیگار را موضوع نکنند و بر سایر اقسام توتون مالیات وضع شود

حاج عزالمالک - کمیسیون این پیشنهاد را نمی تواند قبول کند و اگر آقایان نمایندگان بخواهند با این پیشنهاد موافقت کنند خوب است یک ماده دیگری پیشنهاد شود که اصلا این مالیات وضع نشود

رئیس - رای میکنیم بقبول توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه پیشنهاد آقای آقامیرزاهاشم را قابل توجه میدانند قیام نمایند

(عده قلیبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - پیشنهاد آقای میرزا محمدعلیخان را کمیسیون قبول کرد باخیر

حاج عزالمالک - بلی قبول کرد

رئیس - اینکه گفته شد بطور تبصره نوشته شود صحیح نیست اگر تصویب شد بطور فقره دوم بنده دوم الحاق میشود بکمترتیه دیگر قرائت میشود و رای میکنیم

(مجددا بضمون سابق قرائت شد)

رئیس - آقایانیکه این اصلاح را که در فقره دوم ماده دوم می شود و آقای وزیر مالیه و کمیسیون هم قبول کرده اند تصویب میکنند قیام نمایند .

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد بمذاکره کلیات خاتمه داده شد حالا باید رای بگیریم بکلیه قانون آقایانی که مالیات دخانیات را که مشتمل است بر شش ماده با یک اصلاحی که الان شد و بطور فقره دوم بنده ده ضمیمه میشود تصویب میکنند ورقه سفید خواهند داد و آقایانیکه تصویب نمی کنند ورقه کبود خواهند داد .

(در این موقع شروع باخند رای شد و بطریق ذیل نتیجه حاصل شد)

عده رای دهندگان ۵۷ - ورقه سفید علامت قبول ۳۶ - ورقه کبود علامت رد ۱۵ ورقه بدون اسم علامت امتناع ۶ - رئیس از ۵۷ نفر رای دهندگان با اکثریت ۳۶ رای تصویب شد .

(اسامی قبول کنندگان)

آقاسید اسان الله - آقا میرزا طاهر تنکابنی - امیر مؤید - مرآت السلطان - صدرالملك آقامیرزا محمد علی خان نماینده همدان - شریعتمدار - مشارالدوله فرج الله خان - سردار معظم - حاج میرزا حسین کرمانشاهی آقا شیخ ابراهیم زنجانی - هلال الملك - صدر الممالک - عابد السلطنه - وحیدالملك - دکتر حسینقلی خان - آقا شیخ محمد حسین استر آبادی - قوام الدوله - نظام السلطان - دکتر لقمان - ارباب کبیسرو - نجفقلی میرزا - میرزا قاسمخان - سردار معتمد -

رئیس - این راجع بنده دوم است .

ارباب کبیسرو - چون در اینجا ذکر قیمت مالیات جنسی را می کنند بنده در اینجا توضیح میخواهم که واضح تر بفرمایند آیا آنجائی که تسعیر شده است و مالیات جنسی ذکر نشده است در صورتی که درسته قوی نیل مجلس شورای ملی مقرر داشته است تمام تسعیرات برگردد و همین جنسی در یافت شود آیا چه صورتی خواهد داشت و یا اینکه مجلس شورای ملی درسته قوی نیل رای داده است همین جنس گرفته شود

آقاسید حسین کزازی - سلیمان میرزا - اهزاز السلطنه آقا شیخ محمد حسین خونساری - ادب السلطنه - معتمد السلطنه - آقا سید محمد رضا مسوات - آقامیرزا محمد صادق طباطبائی - مدحت السلطنه - حاج عزالمالک حاج میرزا اسدالله خان - محمد الدوله .

(اسامی رد کنندگان)

آقا میرزا طاهر متولی - آصف المالك - منتصر السلطان - آقامیرزا هاشم جعفر الملك - حاج شیخ یوسف - حاج شیخ حبیبالله - آقاسید فاضل - حاج سید رضا - حاج میرزا هابریضا - حاج شیخ فضلعلی آقا - آقا میرزا محمد علی خان نماینده بوشهر - آقا شیخ حبیبی - حاج شیخ محمد حسن - مؤید الاسلام .

رئیس - آقایان در چند جلسه قبل رای دادند که یک کمیسیون لایحه برای مطالبه بودجه ها معین شود حالا که مشغول شور اول تبدیل خالصجات انتقالی میشود آقایان می توانند یکی یکی بپاراج تشریف ببرند و رای بدهند و برگردند .

(در این موقع آقایان حاج معین التجار - آقا میرزا طاهر تنکابنی و امیر مؤید (بمکرم قره برای نظارت در استخراج آراء معین شدند) .

رئیس - ماده سوم از قانون تبدیل مالیات خالصجات انتقالی بمالیات اربابی قرائت میشود .

(بضمون ذیل قرائت شد)

ماده سوم - قیمت تفاوت مذاکره در ماده (۱) عبارت از حاصل ضرب این تفاوت است در ده مالیات جنسی از قرار نرخ متوسطه سه سال قبل از خرید تفاوت مالیات تسعیر شده و حاصل عمل تسعیر مأخذ تعیین قیمت تفاوت خواهد بود .

عماد السلطنه - برای توضیح این ماده بنده در جلسه قبل پیشنهادی عرض کرده بودم خوب است مقرر بفرمائید قرائت شود .

رئیس - قرائت می شود - در این ماده که خوانده شد مخالفی هست .

ارباب کبیسرو - راجع بتسعیر مالیات جنسی آقایان در جلسه قبل فرمایشی فرمودند و جوابی هم داده شد ولی بنده درست ملتفت نشدم در فرامینی که صادر شده است بعضی اشخاص زیرک بوده اند که در همان فرمان مالیات جنسی را تسعیر کرده اند و مقدار جنسی اهدا در فرمان ذکر نشده است فقط یک مالیات نقدی نوشته شده است در بعضی دیگر همان مالیات جنسی را بدون تسعیر نوشته اند و در بعضی جاها مقدار جنسی با تسعیر نوشته شده است و درسته قوی نیل از طرف مجلس مقرر شده است که تمام تسعیرات برگردد و همین جنس را بگیرند در جلسه قبل وقتی که ذکر شد آقای مخبر و آقای وزیر مالیه توضیح دادند که مطابق همانکه در فرمان نوشته شده عمل می شود .

رئیس - این راجع بنده دوم است .

ارباب کبیسرو - چون در اینجا ذکر قیمت مالیات جنسی را می کنند بنده در اینجا توضیح میخواهم که واضح تر بفرمایند آیا آنجائی که تسعیر شده است و مالیات جنسی ذکر نشده است در صورتی که درسته قوی نیل مجلس شورای ملی مقرر داشته است تمام تسعیرات برگردد و همین جنسی در یافت شود آیا چه صورتی خواهد داشت و یا اینکه مجلس شورای ملی درسته قوی نیل رای داده است همین جنس گرفته شود

رئیس - توضیح بدهید .

و معمول هم بوده است چه قسم رفتار خواهند کرد

سردار معظم - این راجع بنده سه نیست و بنده تصور می کنم خارج از بحث ما باشد حالا اگر لازم است در آن بابت توضیح بدهم والا بنده تصور می کنم این مسئله راجع بنده سوم نیست اصل مطلب ماده سوم در باب تعیین قیمت خرید است که بجهت ترتیب باید تفاوت مالیات خریده شود در اینجا میزان خرید را می گوید ده یک است یعنی ضرب در ده باید بکنند اما کلمه جنس که در اینجا خوانده می شود برای این است که تمام مالیاتها نقدی نیست معلوم است بعضی مالیاتها جنسی است و برای اینکه بتوان قیمت آن تفاوت جنس را معین کرد بنیاید ابتداء جنس را تسعیر کنند و قیمت جنس را در ده ضرب کنند و برای این مقصود که معلوم باشد بجهت ترتیب وجه قیمت تسعیر می شود گفته شده است قیمت متوسط سه سال قبل از آن وقتی را که مالک میخواهد تفاوت مالیات ملک خودش را بپردازد معین می کنند آنوقت آنرا ضرب در ده می کنند و بنیاید از آن قرار خریداری شود .

ارباب کبیسرو - بنده این ماده را ملتفت شده بودم که برای این مقصود نوشته شده است ولی سؤال می کنم که مأخذ آن جنس را که بصورت نقدی نوشته شده است چه جور معین می کند آنرا جنس می گیرند یا نقد بنده در اینجا اشکال دارم .

مخبر - توضیحی که در جلسه قبل در ماده ۲ ذکر شد حالا هم باید تکرار شود نظر باینکه اعتبار خرید و فروش املاک همان اسناد است که در دست اشخاص هست یعنی همانطور که اسناد مردم در موقع معاملات معتبر است ما هم فرمان انتقالی را معتبر بدانیم و مطابق آن عمل کنیم چون اساس حق مالکیت افراد بر حسب سندی است که اسم آن فرمان است و همین طور که در معاملات اسناد افراد معتبر است باید بگوئیم که در معاملات دولتی هم اسنادی که دولت میدهد معتبر است حالا اینجا بر میخوریم به یک قضیه که تسعیرات و برگشت آنها است اولاً این نکته برای توضیح باید گفته شود که اکثریت تخفیف ها در فرامین نیست و اگر ما بصورتها مراجعه کنیم خواهیم دید که اگر تخفیفها و تسعیراتی که شده است راجع بدستور المماله است و مطابق حکم مجلس اول تا وقتی که یک مجلس است او را نقض نکنند (بواسطه اینکه یک مجلس میتواند حکم مجلس دیگر را نقض کند) آن قیمتی که در فرمان ذکر شده است باید مجری و معتبر باشد و از روی آن باید عمل شود این بوده است نظر دولت و نظر کمیسیون قوانین مالیه .

رئیس - اصلاح آقای عماد السلطنه قرائت میشود .

(بضمون ذیل قرائت شد)

این بنده پیشنهاد می کنم که ماده (۳) مصوبه کمیسیون این قسم نوشته شود نه قسمت از مالیات نقدی خالصجات را دولت از قرار تومانی ده تومان بفروش میرساند مالیات جنسی را هم قیمت سه سال قبل از فروش را روی هم حساب نموده و ثلث آن میزان تسعیر خواهد بود که مطابق مالیات نقدی فروخته میشود .

رئیس - توضیح بدهید .

عماد السلطنه - چون ابتداء خیلی مبهم بود و شاید عموم مردم درست ملتفت نمی شدند بنده پیشنهاد کردم این شکل نوشته شود مقصود دولت هم غیر از این نیست که بنیاید ضرب در ده شود ولی پیشنهاد بنده سلیس تر و عبارتش بهتر است و مردم بهتر میتوانند استفاده کنند

رئیس - اگر اصلاح عبارت نیست چون شور اول است خوبست بفرستیم بکمیسیون

عماد السلطنه - بلی اصلاح عبارت نیست

رئیس بسیار خوب رجوع بشود بکمیسیون ماده چهارم قرائت میشود

(بضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۴ - خالصجات انتقالی که عایدات فعلی اربابی آنها زیاد تر مالیات خالصگی نیست میزری شده یک عشر از عایدات سهمی مالک بمنزوان مالیات موضوع و هشت مقابل بقیه آن موافق شرایط مذکوره در ماده ۵ - به عنوان قیمت دریافت میشود در صورتیکه مالک از عهده ادای قیمت تفاوت مزبور بر نیاید کلیه عایدات ضبط دولت شده دوشتر آن بمالک داده شده و یک عشر بعنوان مالیات و هفت عشر باقی مانده از بابت قیمت خرید تفاوت محسوب می گردد

آصف الممالک - در اینجا نوشته شده است در صورتیکه مالک از عهده بر نیاید ضبط میکنند دیگر توضیح ندارد کی حاصل را ضبط میکنند خود مالک باید ضبط کند یا دولت خوبست در این باب یک توضیح بدهند .

مخبر - واضح است که عایدات ضبط دولت میشود .

حاج شیخ حبیب الله - میفرماید در آن صورتیکه عایدی خالصجات زیادتر از مالیات خالصه نیست میزری می شود در صورتیکه معلوم باشد عایدی خالصه زیاد تر است یا کمتر است یا مساویست این صورت دیگر محتاج بیزری نیست که اسباب خرج برای دولت بشود در صورتیکه شك داشته باشد زیاد است یا کمتر است آنوقت محتاج بیزریست این يك مطلب مطلب دیگر اینکه در آخر می فرمایند يك عشر از عایدات سهمی مالک بعنوان مالیات محسوب و هشت مقابل بقیه مطابق شرایط ماده ۵ - بعنوان قیمت دریافت میشود در ماده (۵) شرایط ذکر شده است لکن شرطی که راجع باینجا باشد ذکر نشده است و تا آنجا در آخر می فرماید در صورتیکه مالک از عهده ادای قیمت تفاوت مذکور بر نیاید کلیه عایدات ضبط دولت شده دوشتر بمالک داده شده و يك عشر آن بعنوان مالیات و هفت عشر باقی از بابت قیمت خرید محسوب می گردد در صورتیکه این مقدار از بابت قیمت محسوب شود آنوقت مالیات دولت از بین میرود مثلا حالا دولت سالی صد خرواری مالیات از آنجا بگیرد در صورتیکه دولت بخواهد آنرا بعنوان قیمت بگیرد گمان میکنم آنوقت مالیات دولت از میان میرود .

مخبر - اما آن قسمت میزری که محل احتیاج خواهد بود برای این است که عایدات تسعیر میشود يك قسمت آن بعنوان مالیات باید معین و اخذ شود دو قسمت دیگر هم بنیاید معین شود و بمالک داده شود و هفت قسمت دیگرش را

هم باید از بابت قیمت خرید دولت بردارد پس باید میزری بشود که عایدات واقعی معلوم شود بملاوه در باب زیادتی کمی عایدات وقتی که مالکین مدعی می شود که عایداتشان زیادتر از مثال دیوانی نیست لازم است میزری شود پس از این دونه نظر بنیاید میزری شود اما فرمودند که در ماده پنج شرایطی نیست که راجع باین ماده باشد عرض میکنم دارای شرایط هست تأدیه اقساط و اجرت المثل و این قبیل مطالب چیزهاییست که شامل ماده چهارم می شود اما يك مسئله دیگر که فرمودند اگر دولت هفت عشر را ضبط کند مالیاتش از میان میرود بنده ندانستم چه طور از میان میرود بجهت اینکه وقتی که دولت تمام عایدات را بر آورد کرد نظر باینکه در املاک اربابی ماخذ مالیات یکسشر هشر است آن عشر را برای مالیات موضوع می کند و دوشتر را هم بمالک راگذار میکنند و هفت عشر دیگر عایدات باقی میماند که اگر این خرید تفاوت نمی بود باید بمالک داده شود آنوقت این هفت عشر را دولت ضبط می کند تا وقتی که قیمت تفاوت با اجرت المثل صدی شش که در ماده بعد ذکر می کند استهلاك شود بمباراه آخری تا وقتیکه طلب دولت داده شود وقتی که طلب داده شد ملک بایک مالیات ده يك بمالکش بر می گردد

حاج شیخ اسدالله - در این ماده می نویسد (خالصجات انتقالی که عایدات فعلی اربابی آنها زیادتر از مالیات خالصگی نیست) معنی این عبارت این است که مثال دیوانی آن مطابق فرمانی که دارد بقدر عایدی او نباشد و مثال دیوانی او مطابق با تمام عایدی خالصه بنیاید خلاصه اش این است که تمام عایدات آن خلاصه مطابق فرمانیکه دادر مال دولت است حالا در اینسکجه مطابق این ماده يك عشر از بابت مالیات موضوع شود و دوشتر را برای مالک بگذارند و هفت عشر آن مالک کلام در این مورد است که همین مالیاتها که باید مطابق فرمان بدولت برسد دولت در اینجا دارد عوض آن ملک قبول می کند دقت بفرمائید که بطور ملک خالصه بفروش میرسد ملک خالصه بجهت مقداری بفروش میرسد - بهمان مالیاتی که باید بدولت برسد بفروش میرود این هیچ فلسفه ندارد و حال آن که مطابق همان فرمانی که دارد مثال دیوانی تمام مال دولت است حالا دولت می آید این مثال دیوانی خودش را میبرد و بعد از مدتی عایدی را واگذار به مالک میکنند و فقط يك عشر از آن را بعنوان مالیات باقی می گذارد بنظر بنده این هیچ فلسفه ندارد و نمی دانم چه نظری کمیسیون در این باب داشته است .

حاج شیخ حبیب الله - در این ماده می فرماید هفت مقابل بقیه آن موافق شرایط مذکوره در ماده پنجم بعنوان قیمت دریافت میشود در ماده پنجم معین فرموده که در صورتیکه از ده هزار تومان تجاوز نمایه وزارت مالیه مازاد ده هزار تومان را با تساطی که مقتضی بداند با اجرت المثل صدی شش دریافت خواهد نمود این صورت را هم باید ملاحظه کرد که اگر از ده هزار تومان کمتر شد و نتوانست از عهده مسالها ت بر آید مثلا هفت هزار تومان بود و از عهده هفت

هزار تومان هم بر نمی آید خوب است دولت در اینجا يك ملاحظه داشته باشد که این ملک آبادشود چون وقتی که دولت هایدی اورا ضبط میکند زحمتی در این ملک نخواهد کشید و بکلی این ملک بلاحاصل و بایر خواهد ماند خوبست دولت در اینجا يك ملاحظه بکند.

مخبر - راجع بفرمایشات آقای حاج شیخ اسدالله باید عرض کنم که تمام خالصجاتی که امروز در دست مردم است خالصجاتی نیست که مستقیماً از دولت خریده باشد اغلب خالصجاتیست که در دست دوم و سوم مردم يك پولی داده و خریده اند اگر ما آنها را مکلف و عقید میگردیم که حتماً مثال دیوانی را تادیه کنند یا مثال دیوانی را بخرند والا ملک آنها ضبط میشود در این شقوق ممکن بود موافقی پیدا شود اسباب تزلزل در مالکیت مردم فراهم شود و این دور از عدالت بود بنابراین مجبور بودیم که يك شق دیگری را اتخاذ کنیم این نکته را نباید فراموش کنیم که این قانون آزاد و اختیاری است و اجباری نیست اشخاصی که خالصه و فرمان دارند اگر عدم رضایتی از مالیات خودشان ندارند که مطابق فرمان مالیات میدهند و بهیچوجه نزدیک باین قانون نخواهند آمد و کما فی السابق مالیات خودشان را تادیه خواهند کرد تا وقتی که دولت در ضمن يك ممیزی های کلی قرار مالیات آنها را هم بدهد و تکلیف عموم مالیاها را زمین کند پس این مسئله بر میگردد باشخاصی که از مد نظر تادیه مالیات اشکالاتی دارند در این صورت هم حقیقتاً این اشکال از مد نظر زیاد کردن عایداتست آنوقت حکمش در ماده اول هست که اشخاصی که استطاعت دارند پولی بدولت بدهند و تفاوت مالیات خودشانرا بخرند در این صورت اسباب اشکالی نیست و باید ببینی از این مواد عمل شود اما ممکن است يك شق دیگری پیدا شود که اولاهایدات یا مثال دیوانی مطابق نکند یعنی چه یعنی بر فرض هم اگر دولت آن مثال موهمی که در فرمان نوشته شده است ضبط کند و هایدات واقعی آنرا بگیرد باز ضبط کردن آنها برای دولت صرفه نداشته باشد این ماده راجع است بان املاکی که هایدات آنها زیادتر از مثال دیوانی نیست آنوقت چه میکند - يك عشر از هایدات را بعنوان مالیات موضوع میکنند و نه عشر دیگر را بهمان تفصیلی که در این ماده نوشته شده است د. عشر برای مالک میگنارند و سابقی را ضبط میکنند و اولش را مطابق ماده پنج میگیرند اما آن اشکال آقای حاج شیخ حبیب الله هم که فرمودند وارد نیست بجهت اینکه اشاره باده پنج وارد است و مربوط است بپادریکه صاحب آن ملک بتواند پول نقدی بدهد یعنی بتواند ده هزار تومان را بدهد یا اینکه شق دیگری پیش بیاید و صاحب خالصه استطاعت تادیه اول پول نقدی را که ده هزار تومان است نداشته باشد آنوقت چه باید کرد از يك طرف خالصه را مستقیماً از دولت خریده است و ممکن است از دیگران خریده باشد و در مقابل يك پولی داده باشد و بتواند این قضیه را کاملاً ثابت کند و اسناد معتبر و قبایله صحیح هم داشته باشد در اینصورت یا باید بگوئیم که دولت مکلف است تمام پولها را پس بدهد این مسئله با ضیق مالیه دولت امروز مقتضی نیست یا

این است که بگوئیم دولت از آنها مرهانی بکند حالا نباید فهمید این مرهانات چه چیزاست - این مرهانات این است که در واقع دولت قیمت تفاوت را بساحبان ملک قرض بدهد و بعد متدرجاً در صد استرداد قرض خودش بر آید و با اجرت التل پس بگیرد در اینصورت هم معلوم است که عایدات ملک در عوض قرضی که صاحب ملک بدولت مقروض است باید پرداخته شود بنا بر این يك عشر از هایدات باید بعنوان مالیات وضع شود آنوقت برای اینکه بعضی از مالکین محل گذرانان فقط املاک خالصه ایست که از دولت خریده اند و ضبط تمام عایدات امروز غیر ممکن است و ناچار باید دولت مرهانی از آنها بکند و این مرهانات هم باید بطوری باشد که اسباب ضرر دولت نباشد بنا بر این دو عشر از هایدات را بسالک میدهند که محل گذرانی داشته باشد و هفت عشر دیگر را دولت در مقابل اصل مطلب و اجرت التل صدی شش ضبط میکند تا وقتی که برای صاحب ملک گشایش حاصل شود و قیمت ملک را بتواند بدهد یا اگر نتوانست بدهد در يك مدت زمانیکه باید ده دوازده سال زیاد تر نباشد تمام این مبلغ اصلاً و قرها استهلاك میشود آنوقت هم دولت پول مفتی نداده است و با اجرت التل صدی شش دریافت کرده است و هم مالک دارای يك ملک با مالیات اربابی شده است .

رئیس - مذاکرات کافی است ماده پنج قرائت میشود .
(بضمون ذیل قرائت شد)
ماده ۵ - در صورتیکه قیمت خرید تفاوت مالیات که مطابق مواد ۳ و ۴ تعیین میشود از ده هزار تومان تجاوز نماید وزارت مالیه ما زاد ده هزار تومان را با قسط مقتضی بداند با اجرت التل صدی شش در سال دریافت خواهد نمود .

حاج شیخ حبیب الله - در صورتیکه قیمت خالصه ده هزار تومان زیادتر باشد و صاحب ملک هم نتواند از عهده بر آید مازاد او را با قسط بگیرند خوب است در اینجا زمین شود که در صورتی هم که هایدی ملک کمتر از ده هزار تومان باشد و صاحب ملک نتواند از عهده بر آید دولت وجه او را هم با اجرت التل صدی شش مطالبه نماید تا وقتی که متلا در مدت ده سال وجه دولت را بدهد که هم ملاحظه رعیت شده باشد و هم ملاحظه آبدی ملک زیرا اگر ملک دولت نباشد آباد میشود والا اگر این ملاحظه نشود آنشخص دیگر زحمت نخواهد کشید و بدولت ضرر خواهد رسید

مخبر - البته تصدیق خواهند فرمود که این اندازه مرهانات بدولت خسارت وارد خواهد آورد
ارباب کبخسرو - متأسفانه نظر بنده بر خلاف آقای حاج شیخ حبیب الله است و حتی در این ماده هم که اینجا نوشته شد نظر دارم اینجا نوشته شده است که اگر ده هزار تومان تجاوز بکنند مازاد او را دولت با قسط بکلیه مقتضی میداند با اجرت التل صدی شش دریافت خواهد نمود بطور حتم نوشته شده است که دولت این فرار داد را باید بدهد دیگر قید نکرده است که در صورتیکه مالک از عهده بر نیاید اینطور خواهد شد این يك ترتیبی میشود که در واقع کسانی هم که قوه داشته باشند همین

تقاضا را بکنند و علاوه در اینجا بنده يك ضروری برای دولت تصور میکنم و آن ضرر این است که دولت امروز اقساطی بر قرار میکند و فقط مالیات آنرا میگیرد در اینحال ممکن است مالک برای دولت بازی بیرون بیارد و قیمت را نهد و اسباب زحمت برای دولت و مالک فراهم شود عقیده بنده این است از ازا ده هزار تومان دولت نسبت بان تفاوتیکه حاصل شده است باز مقرر مالیات بگیرد یعنی معادل ده هزار تومان از نه عشر بیکه خریده است کسر کند و به بینه باقی بچقدر میشود و بهمان تناسب مالیات خودش را بگیرد و بعد مالک کم کم و متدرجاً باقی را به پردازد تا وقتی که تمام را متصرف شود و اگر غیر از این باشد کمان میکنم دولت به عشر قانع شده و از باقی صرف نظر کرده است و بعد چهار زحمت خواهد شد بیک پیشنهادی هم در این باب کرده ام .

مخبر - در قسمت اول فرمایش آقای ارباب بنده موافقت مقصود کمیسیون هم همین طور بوده است و اگر تصریح هم بشود ضرر ندارد معلوم است این برای کسانی نیست که میتوانند تمام قیمت را تادیه کنند فقط در مواردیست که خریدار نتواند زیادتر از ده هزار تومان بدهد حالا برای اینکه تا درجه عملی باشد که اگر حقیقه يك کسی امروز استطاعت دادن زیادتر از ده هزار تومانرا نداشته باشد اینطور نودنه شده و این اشکالی را که آقای ارباب فرمودند ممکن است در کمیسیون رفع کرد ولی با قسمت ثانی فرمایشات ایشان بنده موافقت ندارم زیرا بالاخره تولید يك اختلافات و اشکالاتی خواهد نمود و اسباب زحمت حقوق ماده دولت و مالکین خواهد شد مثلاً بنده میخواهم تفاوت مالیات خود را از دولت بخرم يك معامله میکنم ولی ممکن است بقدر تمام آن مبلغ پول نقد نداشته باشم آنوقت ده هزار تومان آنرا نقد بدهم باقی دیگر را با قسط بیکه دولت قرار میگنارد و صرفه دولت است میدهم دولت که پول خودش را مفت پیش من نمیگنارد اجرت التل آنرا میگیرد معلوم است وقتی که بنده مدیون دولت شدم هر نوع اختیاری که دولت از سایر مدیونین خودش بخواهد البته از من هم باید بخواهد ضمن یا وثیقه هر چه دلش بخواهد از من خواهد خواست که اگر از طرف من بدمعامله گی شد بتواند بر حسب آن شرایطی که در بین است عمل کند این بنده با شق ثانی موافقت ندارم ولی با شق اول موافقم .

رئیس - پیشنهاد آقای ارباب کبخسرو قرائت میشود .
(بضمون ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم ماده (۵) قانون تبدیل مالیات این قسم نوشته شود در صورتیکه قیمت خرید تفاوت مالیات که مطابق مواد ۳ و ۴ تعیین میشود از ده هزار تومان تجاوز نماید و مالک از عهده پرداخت بر نیاید معادل آنچه از مازاد باقی ماند نسبت بهمان میزانیکه مالیات خریداری شده تا وقتیکه بدولت پرداخته نشده دولت بهمان تناسب مالیات از مالک دریافت خواهد نمود .

ارباب کبخسرو - در آن قسمت اول دیگر عرض نمیکنم بجهت اینکه آقای مخبر قبول کردند

در وقت دوم هم عنوانی کردند که اگر همینطور بیکه فرمودند آن عنوان از بیک قسمی در این قانون بکنند بنده رافانغ خواهد کرد یعنی يك شرطی بشود که وقتی که دولت اینکار را میکند در تحت يك ضمانت و يك ترتیبی باشد که ضرر بدولت وارد نشود تمام ترس نده اینست که اگر بیک ترتیبی ندهند چون ما مدیونین خودمانرا تا بکدرجه شناسه ایم آنوقت ممکن است ما مدیونین بوسيله همین قانون کاری بکنند که در مالیه دولت حیف و میلی بشود و از خزانه دولت کاسته شود از آنطرف هم آن تصور اینکه دولت کرده است بعمل نیاید اگر حقیقه همین طور بیکه آقای مخبر فرمودند در این قانون گنجانیده شود که دولت تحصیل ضمانت خواهد کرد ترتیبی دیگر خواهد داد که از این حیث تزلزلی نداشته باشیم بنده عرضی ندارم

مخبر - باین ترتیب در قسمت دوم بنده موافقت کامل دارم البته باید از برای دولت يك وسائلی اتخاذ شود که بالاخره ضرری بر او وارد نیاید و تصور میکنم اگر بعد از کله (با اجرت التل صدی شش) جمله (با تأمینات لازم) اضافه شود قبول میکنم و در کمیسیون اصلاح میشود .

مخبر - بله با تأمینات لازم در اینجا اضافه می شود .
رئیس - ارجاع می شود بکمیسیون - ماده (۶) خوانده می شود .
(بقرار ذیل قرائت شد)

ماده ۶ - در صورتی که صاحبان املاک خالصه انتقالی بیک از شقوق پیش بینی شده در این قانون امر مالیات خالصه متصرفه خود را تسویه نمایند و از تادیه مثال دیوانی مذکوره در ماده (۲) امتناع ورزند دولت آن ملک را ضبط خواهد نمود تا مالک بپرداخت مالیات خالصگی و یا بخرید تفاوت مالیات حاضر شود هر گاه بعد از مدت سه سال از تاریخ ضبط دولت مالک بیک از دوشق راضی نشود آن ملک قطعاً در تحت تصرف دولت خواهد آمد .

مخبر - بنده همیشه بنظر امده که آقا در ضمن این ماده (تسویه نمایند) خوانده اند (تسویه نمایند) صحیح است .
(گفته شد تسویه نمایند خوانده شد)
حاج شیخ محمد حسن - قانون تبدیل مالیات در حقیقت قانون معامله است و در معامله رضایت شرط است با این ترتیب این ماده بجهاتی منافات دارد بنویسد در صورتیکه صاحبان املاک خالصه انتقالی بیک از شقوق پیش بینی شده در این قانون امر مالیات خالصه متصرفی خود را تسویه نمایند و از تادیه مثال دیوانی مذکوره در ماده ۲ امتناع ورزند دولت آن ملک را ضبط خواهد نمود بنده هم جریا باید ضبط شود نهایت این است که مالک در مقام معامله بر نیاید و صورت اولی را پیدا میکند و مثال دیوانی را از او خواهند گرفت حالا برای اینکه معامله ثانوی را اختیار نکرده نمی توانیم این حکم را بکنیم زیرا اختیار با خود اوست و میشود او را مجبور نمود که حتماً با معامله کن و الا اگر غیر از این باشد عنوان معامله از دست میرود پس از آنکه اقدام در معامله نکرد مجانبه

شق اول که ملک خالصه در تصرف و مثال دیوانی را باید بدهد حالا در صورتیکه نخواهد معامله کند ضبط یعنی چه این ضمانت و خیانتی نیست مسئله حقوق است دولتی که قادر است ضبط کند همانطور هم قادر است حقوق خودش را بگیرد ضبط ملک وجهی ندارد خصوصاً وقتی که ضبط کرد بعد از دو سال یا سه سال قبلاً ضبط شود و بتصرف مالکش ندهد این مسئله بی اصل تر از اولی است با چیزی را که اساساً ملاحظه کردیم و ساکت شدیم همین مسئله معامله است که رضایت مالکین خالصجات در آن ملحوظ و مأخوذ است اگر این را ملاحظه کنیم دیگر منافات دارد که از برای بیکطرف قیدی قرار بدهیم که (در صورتیکه امتناع ورزد دولت آن ملک را ضبط نماید زیرا که مالک در امتناع مختار است و يك امر حتمی در گردن او نیست پس فقط مجانبه همان شق اول در آن شق اول گاهی میشود که فلان شخص از دادن مالیات دولت امتناع دارد در اینجا مال و فهار آرز او میگیرند اینجا جای مجازات نیست و يك جنباتی شده بلکه حقوق ما بین دولت و ملت و البته در صورت امتناع دولتی که قادر است ضبط کند قادر هم هست حقوق خود را بگیرد .

مخبر - البته بنده نباید (اذا انتفع الشرایط انتفع المشروط) را با قیاد آوری کنم بجهت اینکه دولت وقتی که املاک خودش را می فروشد بیک از شرایط آن تادیه مالیات پس آنکسیکه باین شروط خریده است وقتی بیک از شقوق آن عمل نکند فی العقیقه می توان گفت خود آن معامله باطل می شود علی الخصوص در این قبیل معاملات بنده تصور میکنم این خیالات و مقیاسها بیکه آقا در اینجا در نظر دارند بالاخره وقتی عمل دقت بفرمایند هیچ هچاره غیر از این نیست چون بیک از مقاصد دولت در بیشتره کردن این لایحه فراهم کردن وسائل تسهیل تادیه مالیاتست و بیک شقوقی پیش بینی کرده اند اولاً چنانچه عرض کردم اگر این لایحه و این قانون اجباری بود شاید از نقطه نظر عدالت این ایرادها بیک قدری وارد بود ولی این لایحه اجباری نیست اختیاری است و اگر مالکین خالصه کسانی هستند که هیچ نوع شکایتی از زیاری یا کسی مالیات ندارند این قانون شامل حال آنها نخواهد بود و کافی السابق میتوانند مثال دیوانی خودشان را بپردازند و هیچکس با آنها کار ندارد این قانون فقط شامل حال کسانی میشود که بیک جهت از جهات میل داشته باشند و حاضر شوند امر مالیاتی خودشانرا اصلاح کنند آنوقت چه باید کرد والا دولت میگوید بیاید پول بدهید و این ملک را بخرید فرض کنید يك ملک است که فلان مبلغ با فلان مبلغ مقدار هایدی دارد و بخواهد از من بخرند من میگویم این ملک را بیک میزان معتدلی که معین شده پول بدهید و بخرید برای کسانی هم که باید مبلغ کلی بدهند و پول ندارند دولت يك راه حلی پیدا کرده است و گفته است فقط ده هزار تومان بدهند و باقی را با قسط بپردازند و برای املاکی هم که عایداتش زیادتر از مثال دیوانی نیست بیک حکم و بیک شکل مخصوص دیگری قائل شده ایم یعنی آن ملک را میزنی میکنند آنوقت عوض اینکه تفاوت مثال دیوانی را بخرند تفاوت عایداترا میخرند و برای اشخاصی هم که داخل در این شق هستند و پول

ندارند دولت باز مرهانات حال آنها را میکند و در مقابل پولیکه باید بدهند خود محصول را ضبط میکند مثل بانک میماند که يك مبلغ کلی قرض میدهد و متدرجاً آن پول را اصلاً و قرعاً پس میگیرد حالا اگر يك کسی پیدا شد که بهیچیک از این شقوق عمل نکرد میفرمائید چه کنند - میفرمائید خود صاحب ملک را توقیف کنند - اینطور که نمیشود دولت در موقع اخذ مالیات اصلاً افراد را نمیشناسد دولت همیشه با آن ملک و با آن زمین و آب و خاک طرفست و الا اگر غیر از این باشد کار فوق العاده مشکل میشود بجهت اینکه فرضاً يك مالک ملکی در امریکا و بنگی دنیا رفته است آن وقت اگر این نظر را داشته باشیم که همیشه در موقع اخذ مالیات دولت با خود مالک طرف بشود ممکن است يك قسمت اعظم مالیات دولت از میان برود پس دولت بهیچوجه با مالک طرف نمیشود بلکه با آن آب و خاک بیکه محصول میدهد طرفست و از آن آب و خاک باید مالیات دولت تادیه شود حالا اگر هم شق دیگری بنظرشان میرسد و بیکه دیگری برای وصول مالیات دیوانی در نظر دارند پیشنهاد بفرمائید بنده هم قبول خواهم کرد ولی بشرط اینکه بیکه دیگری نداشته باشد اما در آن قسمتی که فرموده اند چرا ضبط ابندی میکنند عرض میکنم که بالاخره سه سال مهلت میدهند و البته در این مدت سه سال برای کسیکه میل دارد آن ملک مال او باشد تانیت که يك قرضی بکند يك پولی تهیه نماید و با دولت بیکتار دادی بکند حالا اگر يك کسی پیدا شود که عایدات ملکش قدری کم باشد که کفایات مالیات دیوانی او را بکند و از طرفی هم بهیچوجه پول نداشته باشد و امیدوار هم نیست پولی گیر او بیاید صرف نظر کند این است که باید در معاملات حدی قائل شد و تا سه سال صبر کند اگر آمد معامله کرد قها و الا آن ملک نال ذرات باشد .

ارباب کبخسرو - اینجا در واقع قسمی نوشته شده است دولت آن ملک را ضبط خواهد کرد و سه سال مهلت میدهد که آن شخص بیاید امرش را تسویه بکند پس نمی شود گفت این ملک ضبط شده است معنی آن این است که هایدی آن ملک توقیف شده است پس بنده تصور میکنم برای اینکه اصل مقصود دولت بعمل آمده باشد وضمانت هم بیک خسارتی متوجه صاحب ملک نماند چون ما میدانیم در بعضی جاها همین که يك حکمی بدست ما مدیونین ما بیفتد چه بسا مردم بیاید علاوه اینجا هیچ قید نکرده است که صاحب بیک نظری در عایدات آن داشته باشد فقط میگوید دولت ضبط میکند دیگر نمیگوید چه نظری در عایدات آن دارد یا صاحب ملک چه نظری باید داشته باشد فرضاً بعد از سه سال صاحب ملک حاضر شد این امر را تسویه کند حساب آنرا از کجا میداند پس باید در آن عایدات نظر داشته باشد که در وقت تسویه حساب او را بداند بنابر این عقیده بنده این است که عوض اینکه نوشته شده است (دولت آن ملک را ضبط خواهد کرد) نوشته شود (دولت عایدات سه ساله را در تحت نظر خود صاحب ملک توقیف خواهد کرد که اگر او حاضر شد در ظرف این سه سال همین شرطیکه نوشته شده است کار

خودشراستوسویه کند که مقصود حاصل شده است والا اگر حاضر نشد آنوقت بهمان ترتیب که نوشته شده است عمل شود.

مخبر - ضرر ندارد چون مقصود همین است که وقتی که این معامله نشد هر چه هست در مقابل مالیاتی که باید بدو داد شود عاید دولت شود و این ترتیبی که میفرمائید خودش يك مشوق قوی برای دولت خواهد بود که درصدد اصلاح امر مالیاتی بر آید تصور میکنم هیچ اشکالی و مخالفتی از طرف دولت نخواهد شد که آن محصورلی که ضبط میشود خود مالک هم بکنظری در آن داشته باشد که اگر تا انتضاء سه سال برای اصلاح حاضر نشد آنوقت قطعاً آن ملک ضبط شود.

رئیس - این مطالب پیشنهاد لازم دارد **ارباب کبخترو** - پیشنهاد کردم **رئیس** - فرستاده میشود بکمیسیون **حاج شیخ حبیب الله** این ماده از برای یکماده کرده میشود باماده چهارم ضمیمه دارم این ماده میفرماید (در صورتیکه صاحبان املاک خالصه انتقالی بیک اشرفی پیش بینی شده در این قانون امر مالیات خالصه متصرفی خود را تسویه نمایند و از آنجا که در این ماده مذکور در ماده (۲) امتناع ورزند دولت آن ملک را ضبط خواهد نمود الی آخر خوبست اینجا معین میفرماید در صورتیکه این ملک بقدر مثال دیوانی بیشتر داشته باشد اما در صورتیکه کمتر داشته باشد همان طور که در ماده چهارم نوشته شده رفتار شود این فقط در صورتی باشد که عایدی زیادتر داشته باشد یا مساوی باشد اما در صورتیکه کمتر داشته باشد همانطور که در ماده چهارم نوشته شده است عمل شود والا اگر اینطور نشود این ماده با آن ماده چهارم معارضه خواهد کرد و بین این دو ماده تناقض خواهد بود و معلوم نیست یکماده یک باید عمل کرد این يك مسئله مشتمه دیگر این است که در اینجا هیچ حدی و مدتی معین نکرده است که مالک در آن مدت باید تسویه امر را بکند هیچ مدت ذکر نشده است که اگر تا آن مدت مالک نباید و بیک اشرفی فوق راضی نشد آنوقت ملک او را ضبط می کنند.

رئیس - اگر تا آخر ماده را قرائت فرمائید دیده میشود که مدت دارد.

حاج شیخ حبیب الله - در این ماده میفرماید (هر گاه بعد از مدت سه سال از تاریخ ضبط دولت مالک بیک اشرفی راضی نشود آن ملک قطعاً در تحت تصرف دولت خواهد آمد) از این عبارت نتیجه معلوم میشود که شاید فردا بگویند باید و ضبط دولت شد و این هیچ قاعده ندارد.

مخبر - آن قسمت اول که فرمودند هیچ مخالفتی ندارد بجهت اینکه این ماده می گوید در صورتیکه نباید و بیک اشرفی پیش بینی شده در این قانون این کار را نکرد چون تمام مفاد میل را جمع است بشقوقی که اینجا ذکر میکنند و دیگر لازم نکرده است در اینجا هم يك شرحی نوشته شود چون ماده اول يك شرح پیش بینی می کند ماده دیگر يك چیز دیگری میگوید و بالاخره این ماده بطور کلی میفرماید مدت معین نشده است عرض میکنم معین شده است این مدت وقتی است که دولت باین قانون

عمل کند بجهت اینکه باید دید این قانون از برای چیست و از برای دولت در چه موقع پدید می خورد. در موقعی که می آید از بنده و جناب عالی مالیات میخواهد اگر مالیات خودمان را دادیم این قانون ربطی به ما ندارد و بجز این که از نادیه این مالیات امتناع کردید آنوقت باید بیک اشرفی از این شقوق تسویه فرمائید و اگر تسویه نفرمائید ضبط میشود.

رئیس - گویا مذاکرات در ماده ششم کافی باشد - ماده هفتم قرائت میشود.

(بضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۷ - مخارجی که در هر موارد برای اجرای این قانون لازم می شود از قبیل مخارج میزبانی و تحقیق عایدات ملک و غیره بر عهده مالکین است که تقاضای اجرای این قانون را نسبت بخالصه متصرفی خود می نمایند مخارج مزبور موافق صورت مشروح نقداً باقیمت تفاوت دریافت میشود و در صورتیکه قیمت خرید بر حسب ماده (۵) با تساط پرداخته شود مخارج مزبوره در موقع پرداخت اولین قسط مأخوذ میگردد.

رئیس - در این ماده هم گویا مخالفی نیست **حاج شیخ حبیب الله** - همین ماده را خوبست تفسیر فرمائید بیک عبارتی دارد که معنی آنرا نمیدانم در اینجا نوشته شده (مخارج میزبانی و تحقیق عایدات و غیره) این لفظ و غیره چه چیز است.

مخبر - مخارجی که در این قبیل موارد میشود نمی شود تمام آنرا جزء جزء در قانون تعیین کرد فرض کنید این ملک در مرکز نیست و لازم میشود یکماده از اینجا معین کنند و آنجا بفرستند باینکه يك پول تلگراف یا گواهی مالی لازم میشود از این قبیل مخارج پیدا میشود که بر حسب درخواست و تقاضای خود مالک است تمام آن را که میشود در قانون قاعده کرد پس خوبست گفته شود (و غیره) که این قبیل مخارج را هم شامل شود.

رئیس - ماده هشتم قرائت میشود.

(بضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۸ - وزیر مالیه مأمور اجرای این قانونست.

رئیس - در این ماده مخالفی نیست **ارباب کبخترو** - در اینجا هیچ معین نکرده اند از تاریخ بعد از تصویب این قانون بوقوع اجراء گذارده میشود و علاوه باز اینجا صده هایبونی را فراموش کرده اند بنویسید.

مخبر - بعقیده بنده يك اشتباهی اساساً در باب قوانین میشود بواسطه اینکه چیزی حتماً در قانون اساسی معین شده است و شرایطیکه از برای قانونی شدن معین است دیگر لازم نیست در هر قانونی تکرار شود و اگر در بعضی قوانین این مسئله ذکر می شود فقط برای تاکید است برای این نیست که اگر ذکر نشود آن قانون فرضاً در خود قانون این مسئله پیش بینی نشود قانون اساسی معین کرده است که در مملکت ایران در چه موقع اسم قانون بر آن چیزیکه نوشته شده است اطلاق می شود در موقعی که از تصویب بیک از مجلس های مقننه یا مادامیکه مجلس سنا نیست از مجلس شورای ملی بگذرد و بوجه هایبونی برسد آنوقت قانونست پس هر چیزیکه بیک اشرفی از این دو شرط را دارا

نباشد قانون نیست و برعکس هر چیزیکه این دو شرط را داشته باشد قانونست پس محتاج نیست که حتماً در خود قانون هم تصریح شود اما قسمت ثانوی که فرمودند مدت اجرای آن معین نشده بجز این که گفتیم قانونست و تعریف قانون بر آن شد لازم الاجراء است و باز هم محتاج بنهین مدت نیست مگر اینکه در قوانینی که می خواهیم اجرای آنرا عملاً موکول بیک مدتی بعد کنیم و آنوقت باید مدت معین کنیم والا در تمام قوانین تعیین مدت عمل احتیاج نیست بجهت اینکه ما میدانیم قانون واجب الاجراء است و هر چه قانون شد و از مجلس گذشت و بوجه هایبونی رسید اگر هم معین نشده باشد فوراً اجراء شود و یکی از قوانین که دولت مصمم است بجز تصویب مجلس و رسیدن بوجه هایبونی بوقوع اجراء بگذارد همین قانون است لهذا پیش بینی حضرات عالی در اینجا چندان لزومی ندارد.

شریفی - بنده يك شوالی از آقای مخبر داشتم چون سلاطین سلف هم همین معاملات را داشته اند و این قانون ظاهرش این است که راجع به معاملات است که مرحوم ناصرالدین شاه کرده است می خواستیم بپرسیم این معامله را با کدام قسم از خالصجات میخواهند بکنند خوبست تصریح فرمائید.

مخبر - این نظر هم برای خود کمیسیونم پیدا شد بعضی عقیده شان این بود که این قانون فقط شامل خالصجاتی شود که در زمان مرحوم ناصرالدین شاه فروخته است ولی بعد از یک قدری تفکر ما دیدیم جفتی ندارد که این استثنا را بکنیم ممکن است خالصجاتی هم که قبل از ناصرالدین شاه یعنی در زمان سلاطین سلف فروخته شده آنها هم بعضی شان محتاج بتسویه امر مالیاتی خودشان باشند بطور کلی پس از این نقطه نظر بود که ما این قانون را نوشتم و هیچ استثنائی را قائل نشدیم البته کلیه مالکین خالصه اگر يك اشکالی در عمل مالیاتی خودشان داشته باشند میتوانند مطابق این قانون اصلاح کنند **رئیس** - شور اول این قانون ختم شد و انشاء الله برای شور دوم تا روز چهارشنبه حاضر خواهد شد.

مخبر - زودتر هم حاضر خواهد شد.

شریفی - يك شوالی داشتم خواستم عرض کنم.

رئیس - گمان میکنم چون این قانون هنوز شور دومش نشده است هر مطالبی دارید ممکن است پیشنهاد فرمائید بفرستم بکمیسیون.

وزیر مالیه - برای وزارت مالیه خیلی لازم است که این قانون هر چه زودتر ممکن است بگذرد اگر ممکن باشد خوب است جلسه را زودتر از چهارشنبه معین فرمائید.

رئیس - بنده هم همین ملاحظه را کردم ولی بین شور اول و دوم مطابق نظامنامه باید پنج روز فاصله باشد.

وزیر مالیه - پس ممکن است از برای يك قانون دیگری که از کمیسیون گذشته است يك جلسه زودتر از جلسه چهارشنبه معین شود.

رئیس - این قانون تبدیل مالیات خالصجات انتقالی برای روز چهارشنبه خواهد ماند - دستور روزشنبه سه ساعت بتروپ مانده.

صفحه ۲۹۲

اولاً - راپورت کمیسیون راجع بتروپ رجب و غیره.

ثانیاً - اصلاح ماده دوم قانون تعدید تریاک ثالثاً - قانون فروش خالصجات ولایات باین ترتیب مخالفی هست یا نیست.

مخبر - آیا ممکن است استدعا کنیم راپورت کمیسیون راجع بتعدید مقبره نادر شاه را هم جزء دستور بگذارند بنده تصور میکنم برای آن روز حاضر شود.

رئیس - بسیار خوب با این ترتیب مخالفی نیست **آتهم** در درجه اول جزو دستور باشد.

(مجلس یکساعت و بیست دقیقه از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۶۹۹

صورت مشروح مجلس روز شنبه بیست و یکم ذی قعدة ۱۳۲۷

مجلس دو ساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل و صورت مجلس روز چهارشنبه میگذرد قرائت شد.

غائبین با اجازه - آقایان ناصر الاسلام - ادب السلطنه نجفقلی میرزا - دکتر حبیبعلیخان فرج الله سردار معظم غائبین بدون اجازه - آقایان سردار معتمد - شیخ رضای دهمراورقانی.

رئیس - در صورت مجلس یک فقره اشتباه غده است پیشنهادیکه آقای میرزا معتمدعلیخان کردند قبل از تنفس از راجع شد بکمیسیون و برای همین بود که تنفس دادیم و بعد از تنفس راپورتش از کمیسیون آمد.

سردار معظم - اینجا يك اختلاف جزئی مختصری هم در صورت مجلس هست که آقای مناصر السلطان و بنده مالیات صندی سی را اسباب ترویج توتون خارجی میدانستیم مثل اینکه اگر مالیات صندی سی بیست و پنج می بود اسباب این ترویج نمی شد نظر بنده این بود در راجع به صندی سی نبود.

رئیس - اصلاح میشود.

شریفی - چون آقای سلطان الملهاء يك روز قبل از جلسه سابق حرکت کرده اند باینجا با اجازه نوشته شوند.

رئیس - این مسائل راجع به هیئت رئیسه است بعد اظهار میفرمائید رسیدگی می شود اگر صحیح است اصلاح میشود.

حاج شیخ ویوسف - آقای حاج مهذب الدوله را غایب بدون اجازه نوشته اند.

رئیس - عرض کردم این مطالب راجع به هیئت رئیسه است دیگر مخالفی نیست صورت مجلس تصویب شد - برای اطلاع خاطر آقایان عرض میکنم که از طرف وزارت فواید عامه قانونی راجع بتروپ و فروش اولیغاهها فرستاده بودند به کمیسیون راجع شد اعضای کمیسیون بودجه را هم کتش نفر آن روز انتخاب فرمودند و اساسی آنها از فراری است که قرائت میشود.

(بترتیب ذیل قرائت شد)

آقای نظام السلطان - آقای میرزا قاسم خان - آقای میرزا محمد علیخان - صدر الملک - حاج - هز الممالک - شریفی - سردار معتمد - حالا داخل دستور میشویم اول طرح آقای سردار معظم است راجع بمقبره نادر شاه است در کلیات مخالفی نیست؟

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - به معلوم

صفحه ۲۹۲

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

است که حفظ یادگار بزرگان مملکت برای احساسات قدر دانی از گذشتگان چیز خوبی است ولی بنده بعض تواریخ خوانده ام که بعد از وفات آقا محمدخان مرحوم فتعلی شاه جنازه مرحوم نادر شاه را به عتبات حمل کرده است و مقبره اش در آنجا که میگویند نیست دیگر اینکه این ماهی پنجاه تومان بعد از تعمیر برای حفاظت آن شرح معین شده **آتهم** الی غیرالتهایب در حالیکه بنده ام که قدر شرح دارد بعقیده بنده اگر برای اعیان نام نادر شاه يك مدرسه با نام نادری تأسیس شود و این وجه را برای تربیت ابناء و اولاد وطن صرف کنند بهتر است از اینکه در يك معجزه چیزی که مشکوک است صرف کنند در حالیکه ما میدانیم حقیقاً آنچه در تاریخ نوشته صحیح است با صحیح نیست این اثری نخواهد داشت.

سردار معظم - عرض میکنم آقا تصدیق خواهد فرمود که بر فرض اگر مقبره نادر شاه هم مفقود شده بود و آناری از آن نپیدا شدیم باز خوب بود که ولو يك یادگار معنوس هم باشد ایجاد میکردیم که اقلاً مردم ایران حق شناسند و خدمات پادشاهان بزرگ خود را فراموش نیکند تا چه رسد به اینکه همه میدانند و در تمام تواریخ ثبت است که نادر شاه را در کجا کشتند و جنازه اش را در کجا دفن کردند و عجب تر این است که بعد از نادر سالهای سال اولاد او در خراسان سلطنت داشته و در زمان سلطنت اولاد نادری این مقبره بعالت حاضر نبود و آنوقت این قنبر گنبد داشت و موقوفات خیلی زیادی داشت منتها بعدها که افکار متوجه بچیز های دیگر شد از حق شناسی صرف نظر شد و مقبره بعالت حاضر رسید اگر آقای آقا شیخ ابراهیم بجای بنده بودند و بچشم خودشان حالت حالبه آنرا میدیدند یقین دارم که هیچ همچو اظهاری نمی فرمودند و باینده کمال موافقت را میکردند اما مسئله راجع به پنجاه تومان که میفرمایند بالاخره تصدیق خواهند فرمود که بعد از اینکه قبر ساخته و تعمیر شد البته برای اینکه تا يك مدت مدیدی قبر بعالت حاضر بر نکرده و آنوقت هم يك کسی پیدا شود تعمیر آنرا پیشنهاد کند یا نکند باید مراقبت و محافظت شود و برای محافظت آن این مبلغ لازم است و اینکه فرمودند خوبست از این پنجاه تومان يك مدرسه بنا نادر شاه ایجاد شود اولاً این مسئله را باید عرض کنیم برای ترویج معارف این پنجاه تومان کافی است نه هزاره زحمات نادری این قدم اولی که برای تعدید مقبره او بر میداریم کافی است خوبست ابتدا مقبره اش را تعمیر کنیم بعد از آن يك مدرسه که سهل است ممکن است در تمام نقاط ایران مدرسه بنام نادری تأسیس کنیم.

حاج سید رضای فیروز آبادی - بنده با اصل پیشنهاد مخالف می خواستم عرض کنم که البته ما باید پاس حقوق کسانی که خدمت به این مملکت کرده اند داشته باشیم اما نه باین ترتیب که مالیات نوافل را در مشهد باین ترتیب سختی از هر بیچاره که يك بار سوخت می آورد پنجاه می بگیرند و **آتهم** به صرف و ات برسد یا نرسد آنوقت ده یا بیست هزار تومان آنرا خرج مقبره نادر کنیم در صورتیکه تمام ادارات ما کار نیکند و اگر هم کار بکنند چون حقوق مرتب بآنها نمیرسد مثل اینست که مسئولیت ندارند و باید مملکت باین شکل باشد و آنوقت بیست هزار تومان یا سی هزار تومان خرج مقبره نادر

۱ آذرماه ۱۳۲۷

بکنیم بنده بعقیده خودم این را اول خیانت باین مملکت و ملت میدانم.

رئیس - عقیده خودتان را شانایید مجری بدانید.

سردار معظم - بنده از روی این عقیده با کمال افتخار حاضر هستم اول خاطر این مملکت باشم میفرمایند البته ملت ایران حق شناس هستند من نمیدانم این حشمتی باید يك اثرات خارجی هم داشته باشد یا فقط در مورد بیکه يك معنی یاد آوری میشود گفته شود که باید ملت ایران حق شناس باشند و آنوقت معلوم نیست که حشمتی در کدام گوشه فراموش میشود که اثر خارجی ندارد این حشمتی باید يك اثر خارجی هم داشته باشد که اقلاً سایرین که نگاه میکنند ببینند اینکه نمایندگان ملت ایران میگویند ملت ایران باید حشمتی باشند اثرات این حشمتی هم ظاهر است اما اینکه میفرمایند با کمال سخنی مالیات نوافل را میگیرند عرض میکنم مالیات نوافل يك چیز اجباری نیست هر چیزیکه مطابق قانونی که از مجلس شورای ملی گذشته و بوجه علیحضرت هایبونی رسیده گرفته میشود يك حق مشروعی است که دولت اخذ میکند بالاخره خواهند گفت چرا مالیات نوافل برای این محل تخصیص داده شده است و تخصیص آن چه جبهه دارد عرض میکنم برای اینکه مالیات نوافل بیک اشرفی معنی است و فرق است بین مالیات معنی و مالیات مملکتی مالیاتهای مملکتی باید بصارف عمومی مملکت برسد اگر چه این دلیل نیست که من بگویم این خرج بیک اشرفی مخارج حتمی مملکت است ولی مادامیکه ما يك مالیات معنی داریم و مطابق قوانین وسیع جاریه تمام هائیم مالیات معنی باید صرف تعمیرات معنی شود.

لهذا بنده هیچ اختلاف و اشکالی نمی بینم در اینکه يك مالیاتی که معمول است و جاری است و يك مالیاتی است که تمام مردم باید بدهند يك عشار از آن باید برداشته شود و در مقابل خدماتیکه نادر باین مملکت کرده است اقلاً قهر او را از این حالت حاضر که هر کس بپندد عیال خواهد کشید بیرون بیاوریم.

رئیس - گویا مذاکرات در این باب کافی باشد رأی میگیریم که داخل دستور مواد شوم آقا یانیکه تصویب میکنند داخل مواد شوم قبلاً نمایند.

(اغلب قیام بودند و ماده اول بقراردیل قرائت شد)

ماده ۱ - دوعشار از عایدات مالیات نوافل شهر مشهد برای خریداری اراضی اطراف قبر نادر شاه و تعمیر مقبره تخصیص میشود.

آقا سید فاضل - بنده آنچه میخوام عرض اراضی اطراف مقبره نادر شاه موقوفه است خواستم آقای مخبر معترم توضیح فرمائید که در باب خریداری آن اراضی چه نظریاتی دارند و آیا آن موقوفات راجع بخود مقبره است یا نه؟

مخبر - بنده يك وقتی موقوفه بوده است و منحصر باراضی اطراف مقبره نبوده است بلکه خیلی از اراضی موقوفه این مقبره بوده است ولی بتدریج آن موقوفات را گرفته اند خانه ساخته اند کاروانسرا ساخته اند باغ ساخته اند در اینجا دو مسئله ممکن است پیش بیاید یکی اینکه بگویند آن کسانی که برده اند حق نداشته اند و غصب کرده اند و این اراضی که در

رای میگیریم آقابانیکه ماده اول را تصویب میکنیم
قیام نمایند

رئیس - شکر شور اول است نمی شود رای گرفت
رئیس - شور اول و دوم ندارد ماده (۵۹)
نظامنامه داخلی برای اطلاع آقائیان قرائت میشود
(ماده مزبور بمضمون ذیل قرائت شد) ماده (۵۹)
ترتیبات شور مرتبه اول و مرتبه دوم در مواد ذیل
مجری نخواهد بود اولاً بودجه دخل و خرج مملکتی
و ثانیاً قوانینی که راجع به تقاضای وجوهی برای مخارج
مخصوص است

رئیس - این همان مورد است که در اینجا
ذکر شده پس آقابانیکه ماده اول را تصویب میکنیم
قیام نمایند

(اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد - ماده دوم قرائت میشود
(بمضمون ذیل قرائت شد)
ماده ۲ - اداره مالیه خراسان عایدات مزبوره
را از اول برج محرم همدانته در تحت حساب
مخصوص نگاهداشته بمصرف دیگری نخواهد رسانید
رئیس - در ماده دوم مخالفی نیست - رای
میگیریم آقابانیکه این ماده را تصویب میکنیم
قیام نمایند

(اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد - ماده سوم خوانده
می شود
(بمضمون ذیل خوانده شد)
ماده ۳ - مدت تخصیص عایدات مزبوره تا موقع
انجام خریداری اراضی و تعمیر خود مقبره است پس
از آن ماهیانه مبلغ پنجاه تومان از محل نواقل برای
حفاظت و مراقبت مقبره نادری تادیه خواهد
شد

رئیس - در ماده سوم مخالفی هست یا نه؟
سردار سعید - خوب است در آخرین ماده افزوده
شود تا موقعیکه وجه موقوفات خود مقبره بمصرف برسد
مخیر - عرض کردم این مطلب است بان پیشنهادی
است که باید بکنند در ضمن آن پیشنهاد این مطلب
معین خواهد شد ممکن است گفته شود این ترتیب
تا وقتیکه موقوفات برگردد

رئیس - پیشنهاد را هر کس میفرستد
بفرستد

مخیر - راجع باین ماده نیست خودش یک ماده
مخصوص خواهد بود

رئیس - پس در ماده سوم رای میگیریم آقابانیکه
که این ماده را تصویب میکنیم قیام نمایند
(اغلب قیام نمودند و ماده چهارم بمضمون
ذیل قرائت شد)
ماده ۴ - بازدید مخارج تعمیر و نظارت در شرح
آن توسط هیئتی مرکب از والی خراسان و متولی
باشی آستانه مقدمه و پیشکار مالیه خراسان و نماینده
وزارت فواید عامه بعمل خواهد آمد

حاج شیخ یوسف - قانون نواقل اساساً
راجع به بلدیه است قانون تصویب میکند که مالیات
نواقل باید بمصارف بلدیه برسد اگر تا امروزه در بعضی
بلاد مقتضی نبوده است بلدی به باشد همیشه که این قسم
نیست اگر چه بنده خراسان را نمیدانم بلدی به دارد
یا نه ...

رای میگیریم آقابانیکه ماده اول را تصویب میکنیم
قیام نمایند

رئیس - راجع بماده چهارم است
حاج شیخ یوسف - بنده هم راجع بماده
چهارم عرض میکنم قانون نواقل را وقتیکه ملاحظه
کنیم می بینیم این مسئله از حقوقی است که راجع
باداره بلدی و انجمن بلدی است حالا اگر امر رز
مصالح مملکتی مقتضی نبود یا موافق داشته ایم و
اداره خزانه داری و مأمورین مالیه در نواقل مداخله
میکند هیچ منافات ندارد که در قانون تصریح بکنیم
رئیس بلدی خراسان هم ناظر در این امر باشد

رئیس - برای این مطلب پیشنهاد لازم است
آقای نظام السلطان یک پیشنهادی فرموده اند قرائت
میشود ولی گویا باین ترتیب نتوان رای گرفت
(قرار ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم یک ماده باین ترتیب اضافه
شود - که دولت برخورد حتم نماید موقوفات مقبره نادری
شاه را استرداد نموده بمصرف مقبره برساند

مخیر - این ترتیب صحیح نیست بجهت
اینکه عبارت (بر خود حتم نماید) یک قدری خوب
نیست

رئیس - آقای مخیر در ماده چهارم رئیس بلدی را
قبول دارند؟

مخیر - آنجا رئیس بلدی ندارد و بلدی آنجا
در تحت ریاست رئیس اداره مالیه آنجا بود حالا برای
بلدی اداره بلدی در آنجا تشکیل شود یا نشود نمیدانم
با وجود این بنده مخالفی ندارم

رئیس - پس اضافه میشود - باین ترتیب
مخالفی نیست؟ (افزای شد) رای میگیریم آقابانیکه
که ماده چهارم را اضافه لفظ (رئیس مالیه) تصویب میکنیم
قیام نمایند

(اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد - ماده پنجم از این قرار
نوشته میشود
(قرار ذیل قرائت شد)
ماده پنجم - دولت مکلف است موقوفات مقبره
نادری را مطابق وقف نامه استرداد نماید و عایدات
آنرا بمصارف مقبره و مدرسه که تأسیس خواهد شد
برساند و مبلقی کار عایدات نواقل برای تعمیر و مصارف
مقبره خرج شده باشد پس از استرداد موقوفات مزبوره
از عایدات آن مسترد خواهد شد

مخیر - پس آن مسئله پنجاه تومان را هم قید
کنند آنوقت رای گرفته شود
(مجدداً بطریق ذیل قرائت شد)
دولت مکلف است موقوفات مقبره نادری را
مطابق وقف نامه استرداد نماید و عایدات آنرا بمصرف
تأسیس مقبره و مدرسه و شهریه مدرسه و رساندن مبلقی
کار عایدات نواقل برای این مصارف خرج شهر
باشد پس از استرداد موقوفات مزبوره از عایدات آن
مسترد بنماید

حاج شیخ یوسف - بلای نوشته میشود که
اگر چنانچه دولت موفق شد موقوفات را استرداد
کرد آنوقت دولت آن مقدار مصارفی را که کرده
است بخرانه اعاده بدهد در صورتیکه قانون نواقل
میگوید که مالیات نواقل برای مصارف شهر است
بنده گمان میکنم که باید برای مصارف شهر
تعیین شود

مخیر - اگر چه قانون این را میگوید ولی

مالیات نواقل هم قلامثل سایر مالیاتها داخل خزانه
دولت میشود حالا این غلط است تصدیق دارم ولی
فلا از هر جایی که پول برای این گرفته میشود باید
بهمانجا داده شود

سردار سعید - بنده در باب رئیس بلدی
عرض داشتم

رئیس - آن مطلب گذشت

ملک الشعراء - عقیده بنده این است که
دولت را مکلف کنند که در استرداد موقوفات
جدید کنند الا جمله (دولت وقتی موفق شد) تقریباً
یک طور سهلی به نظر می آید یک پیشنهادی هم در
اینجا تهیه شده است که دولت مکلف است این موقوفات
را استرداد کند و وقتی که استرداد شد دولت آنچه
را که خرج کرده است از عایدات آنها بردارد و مزاد
آنرا بمصارف مقبره برساند و اگر چیزی زیاد آمد
(چنانچه محققاً زیاد خواهد آمد) ممکن است یک
مدرسه هم باسم و افتخار نادری در خراسان بسازند
و بودجه آن مدرسه را از عایدات موقوفات بپردازند

رئیس - آقائیان خیال میکردند در این جا
دو شور خواهد شد و باین جهت پیشنهاد خودشان را
حاضر نگردانند حالا که این طور است خوب است
این قانون را که چهار ماده اش را رای داده اند
ما بقی بماند برای آخر جلسه که کمیسیون در موقع
تنفیص متعقد شود و پیشنهاداتی اگر دارند به آقای
مخیر بدهند و در آخر جلسه رای بگیریم یا این
ترتیب مخالفی هست یا نیست؟ (گفته شد خیر)
و ایورت کمیسیون بودجه راجع به فریبنده و غیرا
قرائت میشود

(قرار ذیل قرائت شد)
ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است شش دانگ
قریه رجبه دو دانگ از قریه قریه خالصجات واقعات
در کرمان را در مقابل چهار هزار تومان به متصرفین
حالیه آن واگذار نماید

حاج شیخ اسماعیل - در این پیشنهاد بنده
دو نظر دارم یکی در اصل مطلب و دیگری در
خصوص خود ماده که خیلی ناقص است اما در اصل
مطلب بر حسب آن شرح و مقدمه که از طرف
وزارت مالیه و از طرف کمیسیون بودجه نوشته
شده است معلوم میشود یک ملک خالصه بوده است
که تیرول بوده و بعد از زمان استبداد صغیره به ملکیت
شخص واگذار شده است و او هم منتقل به دیگری
نموده و حالا سه دست نقل و انتقال شده است بنده
در اصل مطلب تأمل دارم نمیدانم دولت و کمیسیون
بودجه در اینجا چه نظری داشته است معاملات و انتقالها
در استبداد صغیر از طرف دولت واقع شده است صحیح
است که این یک تحصیل و العاده است و معلوم نیست از برای
این پول را مالکین و متصرفان آن بگیرند پس معلوم
میشود که دولت و کمیسیون بودجه این نظر را نداشته اند
چنانچه در مقدمه رایووت کمیسیون بودجه می نویسد
که دولت حق داشته است این املاک را مسترد بکنند و
آن معاملات را باطل بدانند زیرا بتصویب مجلس
نرسیده است این نظریست که شاید بنده هم این عقیده
را داشته باشم ولیکن در اینصورت این قسم ملک
خالصه که خود کمیسیون بودجه تصدیق دارد که هزار
دویست تومان عایدی آن است چرا باید به چهار هزار
تومان بفروشد و بر این وجه بقیه عادلانه نروشد اگر
یک نقل و انتقالی در اینجا واقع شده است و اشتباه کاری

و غلط شده است چرا باید مال دولت حیف و میل شود
در این صورت ممکن است برای مرادات آن اشخاصیکه
در اینجا از روی بی بصیرتی متحمل یک ضرری شده اند
از آنچه عادلانه که این املاک فروخته میشود که
مطابق همان پیشنهادیکه در خصوص تمام خالصجات
شده است از فرارده برابر سیزده چهارده هزار تومان
میشود از آنچه ضرر آن حضرات داده شود و بقیه
آن بدوات برسد این یک نظری است بنده دو اصل
مطلب دارم اما در خصوص ماده در صورتی هم که
مجلس بخواهد از این مطالب قطع نظر بکند و چشمش
را روی هم بگذارد و بگوید این پیشنهاد را تصویب
میکم آنوقت معاروم نیست مثال دیوانی در اینجا چه
بیزاست و در سنوات سابق چه قدر بوده و حالا کمتر
عمل میکنند همین قدر یک ماده واحد می نویسد که دولت
مجاز است فلان محل را بچهار هزار تومان بفروشد
و خیلی خوب حالا که میخواهد بچهار هزار تومان
بفروشد در مقدمه که از طرف دولت پیشنهاد شده است
ابتدا نمی نویسد که مثال دیوانی این دو محل در سابق
چه بوده و چه عمل میکردند و حالا که میخواهند بفروشد
دولت برای آنجا چه قدر منظور کرده و مثال دیوانی
چه قدر برای آنجا پیش بینی شده است اگر بنا باشد
بهین قسم بچهار هزار تومان بفروشد و یک مثال
دیوانی از برای آن معین نکنند و مثل مالیات اربابی
معیزی کنند و یک عشر از آن بگیرند باز بنده غلط
میدانم بواسطه اینکه یک ملک خالصه مسلمی را که
اقلاً یازده هزار تومان قیمت دارد بچهار تومان میدهند
نباید مالیاتش عشر باشد بلکه باید زیادتر باشد

وزیر مالیه - در قسمت اول فرمایشات آقای
حاج شیخ اسماعیل عرض میکنم که دولت حاضر ملاحظه
آن پولی را که در زمان استبداد صغیر آن اشخاصیکه
از دولت این املاک را خریده اند داده اند کرد است
و باین ملاحظه ماخذ قیمت آنرا چهار هزار تومان
کرده است اما در مسئله مالیات آنجا آنچه معمول است
بعد ها دولت هزارا خواهد گرفت و تخفیفی در مالیات
آنجا داده نشده و داده نخواهد شد و چون مسئله را
واضح میدانند لازم میدانند در اینجا قید کنند
حالا اگر لازم میدانند قید شود بنده مخالف نیستم
قید کنند

حاج شیخ اسماعیل - بنده آنچه بنده شنیده ام
و اطلاع دارم یک فرمانی در زمان استبداد صغیر
صادر شده که در آن فرمان چندین دهات و املاک خالصه
به یک نفر واگذار شده و در ضمن آن فرمان این دو
محل هم ذکر شده است حالا خود طرف مقابل میگوید
که من پنجاه هزار تومان داده ام معلوم نیست این پنجاه هزار
تومان را برای کجا داده آیا از برای این دو محل
داده یا برای جاهای دیگر هم حالا تازه آمده اند
این دو محل را استرداد کرده اند و معلوم نیست
مابقی آنها را هم مسترد کرده اند یا خیر و آیا هنوز
به مصرف آنکسی است که باو فرمان داده شده
است یا بدست دیگری است در هر صورت معین نیست
بچه حالی است یعنی بنده نمیدانم که این املاک چندتا
است و همان است که در زمان استبداد صغیر فرمان
داده شده است یا دیگری است این باید معین بشود
آنوقت که معین شد بنده عرض میکنم آن پنجاه هزار
تومان از قیمت واقعی این املاک موضوع شود و
بقیه اش را بدوات بدهند و منحصر بچهار هزار
تومان نباشد یعنی در صورتیکه معامله را باطل میدانند

باید تمام آنها بدوات برسد ولی اگر دولت آن
معامله را باطل نمیداند چرا چهار هزار تومان امروزه
میخواهند از آنها بگیرند بجهت اینکه متصرفین که
الان این ملک در تصرف آنها است این مالیات
خودشان را داده اند و کسی از ایشان حق یکدیگر
مطالبه ندارد و همانطوری که آقای آصف الممالک
میفرمودند قریب چهار صد تومان از برای مالیات
آنها پیش بینی شده است (در صورتیکه میزان
مالیات و مثال دیوانی او هیچ در اینجا معلوم نیست
و آقای وزیر مالیه هم میفرمایند من در اینجا هیچ
نظری ندارم و باید مجلس معین کند بنده عرض میکنم
در هر صورت وزیر مالیه باید مالیات آن زمین کند
پیشنهاد کند

وزیر مالیه - بنده عرض نکردم که در باب
مالیات نظری ندارم و مجلس معین کند بنده عرض
کردم که در مالیات آنجا هیچ تغییری حاصل نخواهد شد
و همان مالیات خالصه کی را که بدوات میداده اند
باید داده شود اما در باب اینکه میگویند دولت این
معامله را باطل میدانسته یا نمیدانسته البته صحیح
نمیدانسته است که حالا تجدید نظری میکند اما این
که میفرمایند در فرامین یک املاک دیگری غیر از
اینها بوده است عهده آنها همین دو فقره بود است
مابقی آنها یک تقسیماتی جزئی است که اهمیت زیاد
ندارد و آنها را هم دولت بحالت خالصه کی هودت
داده است و بعد از آنکه صاحبان آنها هم شکایت
کردند دولت در باب آنها هم یک تجدید نظری خواهد
کرد و مجلس پیشنهاد خواهد نمود

رئیس مذاکرات گویا کافی باشد رای میگیریم ماده
واحد آقابانیکه تصویب میفرمایند و رفته معین خواهد داد
(دوایم ورقه توزیع و اخذ آراء شده و آقائیان
میرزا محمد حلخغان و صدر الملک استخراج آراء
نموده بطوریکه ذیلاً مندرج است نتیجه حاصل شد)
عده رأی دهندگان ۵ نفر - ورقه سفید صلاحت
قبول ۴۶ عدد ورقه آبی علامت رد ۲ عدد ورقه بدون
اسم علامت امتناع ۶ عدد

(قبول کنندگان)
میرزا قاسم خان - حاج میرزا حسین کرمانشاهی
آقا شیخ محمد حسین خوانساری - آقا شیخ محمد
جوادی - آقا سید قاضی - سردار سعید - سلیمان
میرزا - شیخ الملک - صدر الاسلام - ارباب کبشرو
آقا شیخ یحیی - صدر الملک - مؤید الاسلام - حاج
میرزا طریض - حاج شیخ یوسف - میرزا الملک
منتصر السلطان - آقا میرزا ظاهر متولی - حاج میرزا
اسماعیل خان - قوام الدوله - عبد الملک - مدد
الدوله - معتمد السلطنه - سردار معظم نماینده
خراسان - شریف العلماء - دکتر لقمان - آصف
الممالک - آقا سید محمد رضای مساوات - مرآت -
السلطان - حاج شیخ محمد حسن استر آبادی -
نظام السلطان - ملک الشعراء - آقا سید امان الله
آقا شیخ ابراهیم زنجانی - عماد السلطنه - حاج
هرالملک - آقا میرزا طاهر تنکابنی - وحید الملک
حاج میرزا فضلعلی آقا - معین التجار - حاج شیخ
محمد حسن زردی - حاج شیخ محمد حسن گروس -
صدر الملک - شریعتمدار - خان باباخان - آقا میرزا
محمد علی خان نماینده همدان

(رد کنندگان)

آقای میرزا محمد علی خان نماینده بوشهر . حاج سید رضای فیروز آبادی - آقای میرزا هاشم آشتیانی . رئیس - با اکثریت ۴۶ رأی تصویب شد. ماده واحده دیگری است راجع به سرخه تریاک فرائض میشود . (مضمون ذیل فرائض شد)

ماده واحده - از ۱۵ میزان توشقان تیل ۱۳۳۴ مبلغ سه شاهی که مطابق ماده (۲) قانون تعدید تریاک مصوبه ۱۲ ربیع الاول ۱۳۲۹ برای یکمقال سوخته بکسایبکه سوخته را بامورین مالیه تسلیم نمایند بتوان حق الزحمه داده میشود تبدیل بیک شاهی میگردد .

رئیس - گویا مخالفی نیست - رأی بگیریم آقایانی که این ماده را تصویب میکنند ورقه سهید خواهند داد .

(در این موقع اوراق رأی توزیم و پس از استخراج آراء بقرای ذیل نتیجه حاصل شد)

۴۸ - ورقه آبی علامت رد ۲ ورقه بدون اسم علامت امتناع ۵ .

(تصویب کنندگان)

از باب کبخسرو - اعزاز السلطنه - سلیمان میرزا عبدالعزیز خان سردار معظم - میرزا سلیمان خان - معظم السلطنه - منصور السلطان - آقا سید حسین گزازی - حاج مین التاجار - حاج شیخ فضلعلی آقا - حاج میرزا علیرضا - آقا سید محمد رضا مساوات - حاج سید رضای فیروز آبادی - حاج میرزا اسدالله خان مشارالدوله - حاج میرزا حسین کرمانشاهی - مرآت السلطان - حاج شیخ محمد حسین استرآبادی - وجدالملک - آقا شیخ ابراهیم زنجانی - خان باباخان نظام السلطان - حاج شیخ یوسف - عماد السلطنه - آقا میرزا محمد نجابت - عد الملک - حاج عز الممالک آقا شیخ محمد جواد - آقا سید فاضل - آقا سید اسدالله - آقای میرزا محمد علی خان نماینده همدان - مویندالاسلام - آقا میرزا طاهر تنکابنی - دکتر لقمان - آقا میرزا هاشم آشتیانی - حاج شیخ محمد حسن گروسی - آقا سیدامان الله - سردار سعید - صدرالملک آقا شیخ محمد حسن خوانساری - صدرالمالک - شریعتمدار - شیخ الملک - آقا میرزا قاسم خان - مددالدوله - آقا میرزا محمد علیخان نماینده بوشهر قوامالدوله - صدرالاسلام .

رد کنندگان

حاج شیخ حبیبالله - ملک الشعراء - رئیس - با اکثریت ۴۸ رأی از ۵۴ رأی تصویب شد - قانون فروش خالصجات مذاکره واجح بکلیات است .

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - خالصجات یک چشمه عایدی مملکت است یعنی مملکت ایران غیر از مالیات و خالصجات عایدی دیگری ندارد این امر خیلی مهم است و نظر دقیقی میخواهد ولی از طرف دیگر مودانیم امروز دولت بفوریت محتاج بیولی است با ادارات قرض دارد و لوازم زیاد میخواهد که پول محتاج است و از راه دیگری هم تحصیل نمیشود و اسهل و اقرب هدین حارق همین است اینرا بنده انکار نمیکند برای دولت باید یک پولی پیدا کرد

ولیکن با اینکه منظور ما زیاد کردن عایدات دولت است تصور میکنم این عمل از عایدات دولت کسر خواهد کرد بجهت اینکه وقتی بفروش وقت آن عایداتی که دولت از خالصجات میبرد قهر آن عایدات از بین خواهد رفت پس عایدات بفروش اینها کسر خواهد شد ولی اگر با اینکه این ضرر را دولت قبول کند بیک وجه منتناهی عاید دولت بشود و ادارات اصلاح شود و بپرد لازم دولت بخورد و رفق احتیاج کلی را بکنند باز هم میتوان تحمل کرد که از عایدی آینده صرف نظر شود و یک وجهی برای کارهای لازم تهیه و حاضر شود ولیکن با این حال حاضر بنده واقفم بترسم از اینکه این فروش بپرد احتیاج مملکت بخورد باین پول بصرف دیگر برسد بحد هم که سؤال بکنم بگویند مصرف لازمی داشتیم و بآن مصرف خرج شود پنجاه تومان فلانجا رفت پنجاه تومان بجای دیگر مصرف شد و بالاخره ببینیم هیچیک از کارهای مملکتی اصلاح نشده است رما بهمان حال اول مانده ایم و آن عایدی هم از دست دولت بیرون رفته و این پولها بصرف دیگری رسیده است اگر بفرض بفروش میرفت یک طوری بود که بودجه میگذاشت و آدم میدانست که این وجه بصرفش صحیح است یعنی خریداران و فروشندگان و مجلس و همه مردم میدانستند که این پولها که گرفته میشود بصرف ضروریه میرسد ممکن بود تصویب شود ولو اینکه از عایدی دولت هم کسر میشود اما یک طوری بود که بپرد امروزه دولت خورده است و یک قدری کار را اصلاح کرده نه اینکه همین طور خورده خورده بفروش برود و مصرف شود آخر یک وقت ببینند این پولها مصرف شده است و کاری هم اصلاح نشده است بودجه هم تصویب نشده است و نداشته ایم پولها بکنجا رفته است چون ما ببینیم بعضی از مستخدمین ماهی سیصد تومان چهار صد تومان مواجب بگیرند و کاری هم نمیکند و یک وقت ببینیم این پول هم در واقع باین قبیل مصرفها صرف شده است آنوقت هم عایدی از دست رفته و هم ملک خالصه فروخته شده و هیچ نتیجه هم نداشته باز اگر یک تربیتی داده میشد و یک مهلتی داده میشد بیک تربیتی ولو بیک مدت بعدی که عایداتی که در آنجا سکنی داوند آنها را آباد میکردند اگرچه آن ملک از دست دولت میرفت ولی متوجهاً هم عایدی بدست دولت میرسید و هم املاک آباد میشد این هم یک تربیتی بود یعنی اگر باز ممکن باشد بفرود مالک بدهیم بهتر است اگرچه میدانیم باز متولین خواهند خرید و این پول هم مصرف خواهد شد بنابراین حال بنده نمیتوانم تصویب کنم خالصه دولت فروخته شده و اینطور مصرف شود مگر اینکه یک اصلاح اساسی در کار باشد .

هم که شده است البته باید برای املاک خالصه دولت صاحبانی پیدا کرد که در مراقبت آن املاک بهتر از دولت کوشش بکنند شاید باین وسیله اسباب آبادی املاک مملکت فراهم شود و ضمناً بر ثروت اهالی مملکت افزوده شود اما اگر از نقطه نظر عایدی واقعی این خالصجات نگاه بکنیم خواهیم دید که فعلاً یک چیز قابل عاید دولت نمیشود و حتی اگر جمع و خرج بکنیم شاید در سنوات اخیره بنا نشان داده شود که مخارج اداره کردن بعضی خالصجات زیادتر از عایدات آن بوده است پس وقتی که این نظر را پیدا کنیم از نقطه نظر تلبیل مخارج دولت هم که باشد باید یک راهی برای دور کردن این مخارج از خودمان پیدا کنیم حالا آن چه راهی خواهد بود ؟ معلوم است یک راه اساسی که بتواند دائماً ما را از این مخارج آسوده نکند فروش خالصجات است پس از این نقطه نظر هم که نگاه بکنیم باید بفروش خالصجات موافقت کنیم حالا قرض میکنیم که این دوشق هم نبود و املاک دولتی هم یک املاک خیلی مرغوب و معتبری بود و محل نزاع هم نبود و اداره کردن آنها هم هیچ مخارج گزافی برای دولت نداشت (در صورتیکه این طور نیست و آنچه املاک خالصه مرغوب بود در این مدت خریده شده است و آنچه باقی مانده است خالصجاتی است که با محل نزاع است یا اینکه اداره کردن آن برای دولت مشکل است) قرض میکنیم همچو املاکی نیست و املاک خیلی مرغوبی برای دولت مانده است هم میدانید که دولت امسال کسر بودجه دارد و این مسئله مغفی نیست در همه جراید نوشته شده است ناچار مجلس شورای ملی از برای زیاد عایدات متوسل بوسائل مختلفه شدو مناسبی که تا بحال اتخاذ شده است مناسبی نبوده است که بتواند یک عایدات فوری برای مملکت تهیه نماید و درد امروزه مملکت را دوا کند و البته هر یک از آنها مستلزم صلیات مقدماتی است که شاید بعد ها منجر بیک عایدی شود و هیچیک از آنها بودجه امسال را جبران نمی کند حالاً امر دایر است بین اینکه ما از یکسجاری که شاید بفروش خالصجات ترجیح نداشته باشد یک عایدی پیدا بکنیم یا اینکه دولت یک قسمت از املاک خودش را که در اداره کردن آنها تولید مخارج میکند بفروشد در این صورت بنده بدون هیچ تردید خواهم گفت که املاک خالصه باید فروخته شود علاوه بر این در خصوص فروختن املاک خالصه یک نظر های دیگری هست که بنده تصور میکنم محتاج بپرسش بنده نباشد و همه می دانند پس از این نقطه نظر هم که نگاه بکنیم باید با این لایحه که از طرف دولت راجع بفروش خالصجات پیشنهاد شده است موافقت بکنیم دیگر اینکه آقای حاج شیخ ابراهیم زنجانی یک اشکالی را فرمودند که در صورتیکه میدانستیم عایدات فروش خالصجات بیک محل های خوبی خواهد رسید ممکن بود موافقت کنیم بنده عرض میکنم اگر یک مختصر وقتی در این لایحه یعنی در راپورت کمیسیون میفرمودند البته تصدیق میفرمودند که تمام آن نظریات ایشان قبلاً پیش بینی شده است ماده ششم این لایحه میگوید (معامله املاک خالصه فقط بوجه نقد صورت پذیر خواهد بود و هیچ نوع محاسبه و مطالباتی از این باب محسوب نخواهد شد) پس این ماده از آن خطری که تصور میفرمودند در آیه متوجه به عایدات دولت

شود جلوگیری میکند این نکته را باید تصدیق بفرمائید که مجلس هیچ وسیله دیگری جز وضع قانون برای جلوگیری از تفریط مالیه دولت ندارد پس مطابق این ماده باید تصور کرد که جلوگیری از حساب تراشی شده است و ماده هفت هم راجع است به مخارجیکه باید از این وجه بشود میگویند (مخارجی که از این محل از طرف دولت تأدیبه خواهد شد باید قبلاً دولت باید بمجلس پیشنهاد کند یعنی مخارج را قبلاً دولت باید بمجلس پیشنهاد کند و مجلس او را تصویب کند پس ببارت دیگر وقتی که خالصجات فروخته شد و پولیکه از این راه عاید خواهد شد باید در تحت حساب مخصوص نگاهداشته شود و دولت حق نخواهد داشت از آن پول خرج بکند مگر اینکه در هر موردیکه میخواهد آن پول را خرج کند مخصوصاً باید اجازه مجلس را کسب کند در این صورت ممکن است قبلاً مخارج خیلی خوب پرمفعتی را که دولت برای مملکت پیش بینی کند و صورت آن را بمجلس بیاورد البته نظر نمایندگان و آن شرط خواهد بود در این صورت آن پول بصرف خودش خواهد رسید اگر دیدند در آن لایحه یک مخارج بدی پیشنهاد شده است یا اینکه دولت عایدات خالصجات را از برای حقوق عقب افتاده فلان اداره تخصیص داده است ممکن است رد بفرمائید و پیشنهاد کنند عوض اینکه حقوق عقب افتاده فلان اداره از این محل تأدیبه شود یک خرج پرمفعتی از این محل تأدیبه نمایند پس از این نقطه نظر هم که ایراد فرمودند بمقیده بنده این ایراد وارد نیست میماند یک نظر دیگر و آن این است که فرمودند برای عاید خالصه فروخته شود بهتر است والا این خالصجات بدست متولین خواهد افتاد و اگر چه ممکن است در اینجا یک اختلاف نظری بین بنده و آقا باشد چون بنده شخصاً متول و غیر متول یعنی تمام ایرانیها را دارای یک حقوق میدانم و تصور میکنم از این قبیل حقوق عمومی همه مردم حق استفاده و بهره را دارند با وجود این برای رعایت حال رعایا یک شرطی ذکر شده و در ماده دوم حق تقدم را در صورت مزایده بر رعایا و سایرین خالصه می دهند پس از این نقطه نظر هم ایرادی وارد نیست و آن نظر مرامی هم قبلاً حاصل شده است و اشکالش باقی نمیماند ببارت دیگر با وجود ماده دوم و ششم و هفتم تمام اشکالاتی که در نظر بوده است رفع شده است

آقای سید فاضل - بنده عرض می کنم که اساساً فروش خالصجات از چندین نقطه نظر ضرر ندارد یکی از نقطه نظر مالی مملکت معلوم است که صورت مالی مملکت ما را وادار میکند که یک پولی از منابع تروتی این مملکت بدست بیاوریم و خالصجات را بفروش برسانیم و دیگر اینکه ذکر می شود بعضی خالصه ها هست که خراب است و حالیه برای دولت ممکن نیست یک اداراتی برای خالصه تأسیس کند و بودجه و حقوق آن ادارات بیشتر عایدات آن خالصه خواهد شد ولی اگر فروخته شود اسباب آبادی آن املاک میشود و دولت از مخارج آن مأمون میماند ولی عرض می کنم که اولاً باید یک مصرف اساسی دولت برای وجوه خالصه منظور بدارد که بدانیم وجه خالصه بجه مصرف میرسد یعنی اگر وجوه خالصه را بهر مصرف واسم و محلی که میخواهند صرف کنند من میگرداند مثلا خریداری حقوق با امتثال آن بهتر بود البته اسباب زحمت

نمیشد و الا مادامی که یک مصرف معینی از برای وجه خالصه معین نشود فروش خالصه نظیر خوردن از سرمایه خواهد شد و بعدها ابدأ چیزی از آن نخواهیم داشت ماده هفتم را هم بنده دیده بودم ولی آن مارا اقتناع نمیکند بجهت اینکه معلوم است بعد از اینکه پولی از فروش خالصه پیدا شد ممکن است بعضی چیزهایی که به نظر وزیر برسد واجبیت بنده آنوقت بیاورد به مجلس و از مجلس بگذراند بنا بر این باید ابتدا یک مصرف اساس صحیحی را دولت در نظر بگیرد که نماینده کانه هم سبق باشند و بعد از فقدان خالصجات افزاینده عایدات آن باقی بماند و الا اگر غیر از این باشد بنده هیچ عقیده ندارم .

مخبر - بمقیده بنده ماده هفتم نظر آقا را یک اندازه نمایم میکند منتهای میفرمائید در ضمن که لایحه که راجع بفروش خالصجات است خرجی معین بکنند این ممکن نیست زیرا اینته طلب بسته است بفروش خالصجات و دولت متقبل میشود که عایداتی که از محل فروش خالصجات عاید میشود حساب آنرا در یک جای مخصوص نگاهدارد و پس از آن لایحه مخارج آنرا بمجلس شورای ملی بیاورد حالاً میفرمائید چرا ضمیمه این قانون نشده است همانطوریکه می فرمودند شاید یکی از محلهائی که از عایدی خالصجات باید تخصیص شود خرید حقوق و ضایف باشد که هم آقای وزیر مالیه بیان فرمودند و هم نظر اعضاء کمیسیون موافق با نظر ایشان بود پس این لایحه هیچ اشکالی ندارد اگر اشکالی در باب خرج دارند باید تا کید و جدیت بفرمائید که آن صورت خرج بمجلس بیاورد و جرح و تعدیل شود والا در ضمن اجازه فروش خالصجات اشکال کردن بیخبر آن وارد نیست .

حاج شیخ اسدالله - فروش خالصجات یکی از منابع عایدات دولت است به این سهولت نمیشود شخص بفروش آن تصدیق کند و تا نوع و ضررش را نتواند تشخیص دهد و خیلی مشکل است عجاناً خالصجاتیکه دولت دارد غیر از خالصجات حوزره طهران آنچه بنده تحقیق کرده ام سیصد و پنجاه هزار تومان فعلاً با این وضع مرغوبی عایدی دارد و این مبلغ که عرض میکنم تخمیناً است نه تحقیقی آنچه شنیده ام سیصد و پنجاه هزار تومان فعلاً عایدی دارد اینکه حالا آقای مخبر یکی از دلایل خودشان را برای فروش خالصجات این طور قرار می دهند که مخارج اداره کردن آن زیاد است و دخل آن برای خرج واقعی نیست اینرا بنده نمی توانم تصدیق کنم زیرا دولت میتواند بیک خرج کمی آنجا را اداره بکند و الا اگر دولت این نظر را داشته باشد پس خوب است تمام مالیاتها بیکه دارد بفروشد مالیات مستغلات را هم بفروشد برای اینکه در این دو سه سال اخیر دخل زیادتر از خرج شده است پس تمام مالیاتها را اینطور که آقا میفرمائید باید بفروشد برای اینکه خرج زیادتر از دخل است این نظر نظر خوبی نیست که چون در این اوقات خالصجات خرج زیاد پیدا کرده است او را میفروشیم ممکن است خرج را کمتر کنند و دست خالصجات را اداره کنند پس فروش خالصجات را نمی توان از این نقطه نظر تصدیق کرد اما از آن نقطه نظر که میفرمائید در این قانون پیش بینی شده است که برای یک مخارج عام المنفعه

خالصجات فروخته شود و تمام عایدات اداره بصرف عام المنفعه برسانند بنده عرض می کنم هیچ مالیاتی نباید بصرف خصوصی برسد مگر اینکه عام المنفعه باشد این را هم نمی توان دلیل فروش خالصجات قرار داد پس اگر دولت می خواهد این عایدی را کسر کند (در صورتیکه شبانه روز در قبیل تکثیر عایدات است) باید یک کاری بکنند و مصرف از برای یک محل مخصوص اختصاص بدهد که در صورت فروش و رسانیدن بآن مصارف هم از ده یک بیشتر منتفع شود بجهت خاطر اینکه نظر تجار و اقتصادی این طور حکم می کند که خالصجات را بفروشند و پولش را بیک مصرفی برسانند که یک بیشتر برای دولت فایده داشته باشد پس اگر بفروشند و یک مصرفی برسانند که ده یک بیشتر فایده داشته باشد بهتر است زیرا خود خالصه عجاناً یک دیک فایده میکند و یک عایدی هم دارد پس این نقطه نظر را باید گرفت یعنی اگر یکی از مخارج حتمیه دولتی مملکتی بواسطه فروش خالصجات کسر میشود و دولت بیش از آنچه حالا منتفع میشود منتفع خواهد شد صحیح است والا بعنوان کسر بودجه خالصجات را بفروشند بنده هیچ صحیح نمیدانم چون آقای سردار فرمودند عجاناً بودجه کسر دارد و برای کسر بودجه نباید خالصجات را بفروشد بنظر بنده این ترتیب هیچ مصاب نیست بجهت اینکه باید از برای کسر بودجه فکری کرد و یک راه عایدی و یک منبع عایدی بدست آورد نه اینکه برای بودجه یک عایدی موجودی را هم از دست داد اگر بخواهیم بهین متوال بودجه خودمان را اصلاح کنیم باید در ظرف چهار سال تمام عوائد دولتی را بیکلی بمرض فروش بیاوریم و اعلان حراج بدهیم این نظر نظر صحیحی نیست باز چیز که بنظر بنده می آید و بصواب قریب تر است این است که دولت پیش بینی کند و ببیند میتواند موفق باین مقصود شود مسئله خریداری حقوق است آنوقت این وجه را بآن مسئله تخصیص بدهد زیرا آنها هم یکی از مخارج حرجیه است که اسباب زحمت دولت را فراهم کرده است و دولت مجبور است از برای ارباب حقوق یک وجهی پیش بینی کند و اگر بتواند ارباب حقوق را از این زحمت آسوده کند و خودش هم آسوده شود خیلی خوب است و بهترین شقوق این است که از امر در شروع بخریداری این حقوق بنماید حالا بنده نمیدانم که اگر دولت شروع کند موفق باین مقصود میشود یا نمیشود ولی ممکن است بسنجیم و ببینیم بچه مبلغ میتوان حقوقات را خرید و در صورتی که حقوق را بتوانیم بخریم آیا صرفه دارد خالصجات را بفروشیم یا نه ؟ باین معنی که نسبت بپیشتریکه خالصجات را میفروشیم ببینیم زیاد تر از آنرا از ارباب حقوق میتوانیم خریداری کنیم و مقرون بصرفه هست یا نه اگر این مطلب را پیش بینی کنند و توضیح بدهند آنوقت ممکن است بنده موافقت کنم آن هم در صورتیکه مجرد حرف نباشد که آقای مخبر فرماید در این قانون نوشته شده است که مخارج وجوه خالصجات باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد و الا در محل معقوف میماند ممکن است بگفت آقای وزیر مالیه با هیئت دولت تشریف بیاورند مجلس و یک موقع فوق ماده اتفاق بیفتد و یک همچو پولی هم

موجود باشد و تقاضا کند به خارج شنبه برسد و مجلس هم مجبور باشد رأی بدهد این را بازمی بیند غلط میدانم باید در خود این قانون نوشته شود که مصارف این وجوه از برای خرید حقوق ارباب حقوق در يك مبلغ معینی تقصیر داده شود یعنی معین میکند تومانی چقدر میخرند که نسبت به فروش خالصجات مقرون بصرفه باشد والا بنده نمیتوانم راجع به فروش خالصجات رأی بدهم.

وزیر مالیه - بنده خیلی مناسفم که این قانون که خوب بود زودتر از سایر قوانین میگذاشت و کمتر دوجار مخالفت میشد بیشتر دوجار مخالفت آقایان نمایندگان شده است عقیده بنده این است آقایان با این قانون مخالفت میکنند يك قدری غفلت دارند از اینکه يك ضرورتی دولت را مجبور کرده است که این قانون را به هیئت مجلس شورای ملی پیشنهاد کند اما اگر ضرورت داهی نبود برای حل يك مشکلاتی نبود عجله نمی کرد و با وجود این که در پیشنهاد این قانون عجله شده است اگر واقعا ایراداتی وارد باشد می توانم آن ایرادات را رفع کنم و عرض میکنم تصویب این قانون خیلی موافق مصلحت مملکت است اینکه گفته می شود يك چشمه عایدات ملکیت از میان میرود اینطور نیست و عایدات خاصه جات غیر از طهران را که بمیرمانند سبب و بنجاهه از تومانی است اینطور نیست و ثابا شرح اداره کردن آنها برای دولت خیلی زیاد است علاوه فعلا دولت دارای وسائلی نیست که بتواند خالصجات را تسبیح کند چنانچه در مقدمه این قانون ذکر شده است و تصور می کنم این املاک رو بخیرایی میرود چنانچه تا حال رفته است بهر حال پیشنهاد این قانون هم منضم سرکه فعلی دولت بود و حال يك مشکلی را میکنند هم منضم صرفه مملکت بوده و برای آبادی عایدات خاصه خیلی نافع است حالا که آقایان نمایندگان میخواهند مخالفت کنند خوب است پیشنهادهای دیگر بکنند بجهت این که حال امروز دولت در آمد ندارد که از جهت بی پولی پول بکنند خوب است در ضمن مخالفتها بکنند پیشنهادی هم بکنند که از جهت پول خود چنانچه بقول آقای سردار معظم پیشنهادهای جدیدی که شده است چو زمانی است که نتیجه شان خیلی طول خواهد کشید دولت نمی تواند از آن راه ها رفع نگرانیهای امروزه را بکند و باید يك وسائلی خیلی فوری تهیه کنند اما در باب مصرف عایدات فروش خالصجات که مذاکره میشود این مسئله در کمیسیون هم مذاکره شده است و بنده در کمیسیون موافقت کرده ام که يك قسمت از وجوه خالصه و همچنین از استقراض داخلی که مقرب لایحه اش بمجلس خواهد آمد برای امور عام المنفعه از قبیل خریداری حقوق صرف شود چون بنده مناسب ندانم مجموع وجوهی که از این دو محل عاید میشود و بصرف خرید حقوق برسد و باین جهت در این قانون تصریح نشد ولی می توانم عرض کنم که از عایداتی که از این دو محل بصورت میرسد اقدام بخیریداری حقوق خواهد شد و آنرا هم با عایداتی برای دولت پیدا خواهد شد یعنی عایداتی که صرف ادای حقوق میشود و بعد از این در هر سال برای دولت برماند که شاید بدد محل استهلاک بکفرش بخورد یا اینکه بصرف دیگری برسد و باقی عایدی این دو محل البته يك مصارفی خواهد رسید که اگر دولت برای آن مصارف

فکر يك معنی نکند ناچار مملکت دچار مشکلات خواهد شد و برای اینکه دچار آن مشکلات نشوم و خود را از آنها برهانیم لابد شدم این قوانین را بمجلس شورای ملی تقدیم کنیم.

حاج سید رضا فیروز آبادی - مکرر

از آقایان و کلا و غیر و کلا شنیده میشود که کسر بودجه داریم و باید برای کسر بودجه و اصلاحات مملکت يك پولی پیدا کنیم بنده عرض میکنم که امروز هیچ اصلاحی بهتر از این نیست که حقوق اعضاء دولت از وزراء و وکلا و مستخدمین ادارات را که کنند تا کار مملکت اصلاح شود یعنی اگر حقوقات را کسر کنند نصف کنند یا نشت کنند بودجه اصلاح میشود و الا غیر از این قسم بودجه اصلاح نمی شود و گمان نمیکنم بفروش خالصجات کاری اصلاح شود.

رئیس - آقایان مذاکرات را کافی میدانند ؟

مخیر - بنده تصور میکنم اگر تصویب فرمایند خوب است که با در مذاکرات امتداد داده شود یا اینکه در کلیات بنده برای جلسه دیگر.

رئیس - پس رأی بگیری آقایان مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند

رئیس - مذاکرات کافی نیست پس مذاکرات ممانند بعد از تنفس (در این موقع تنفس شده و پس از نیم ساعت مجدداً جلسه در تحت ریاست آقای سلیمان میرزا نایب رئیس تشکیل گردید)

نایب رئیس - آقای شریعتی مخالف هستند ؟

شریعتی - مخالف بودم ولی حالا عرض ندارم

حاج شیخ معین التجار - با فروش خالصجات

مسامد و موافقت ولی با حسن ظنی که باین هیئت حاضر دارم عقیده ام این است که باید با بندها فروشها خالصه داده شود بجهت اینکه هر هیتی که روی کار آمدند اظهار احتیاج کردند باید استقراض پیشنهاد کردند باید امیازی و بنده تصور می کنم اگر این خالصجات هم بفروش برود بمخارج عادی مملکت خواهد رسید و می توان گفت این هم از میان میرود یعنی این سبب هزار تومان یا دو سبت هزار تومان عایدی آنهاست از عایدات مملکت کسر خواهد شد و بکمال یا دوسال دیگر این هیئت بنا به هیئت دیگر روی کار باشند دو سبت هزار تومان هم بر کسر بودجه شان علاوه شده است پس بنده عقیده ام این است که اگر خالصجات بفروش میرود باید مخارجش معین شود و بنده دو خرج در نظر گرفته ام یکی اینکه به معین قسم که مذاکره شد حقوق را بخیرند بجهت اینکه حقوق علاوه از چهار کرور است که همه ساله از کیسه دولت خارج میشود و با ارباب حقوق هم چیز درستی نمیرسد بعضی می گویند تومانی دوریال میرسد ولی آن دوریال هم در بازار تومانی دوریال دو عباسی و يك عباسی بدست بعضی اشخاص بفروش میرسد پس اگر این حقوق را دولت بخرد می توان گفت که چهار کرور از بودجه خرج دولت کسر شده است آنوقت این چهار کرور را می توان يك معنی برای استقراض قرار داد و جعل کرور با پنجاه کرور استقراض کرد و آنوقت آنوجه را ببقیه بنده بدو محل ممکن است

مصرف کنند که برای مملکت هم فایده داشته باشد یا اینکه يك راهی در ایران ایجاد شود که خود دولت کشیده باشد یا يك بانک فلاحتی تأسیس شود که اقلا يك توسعه در فلاحت ایران داده شود که حالا خالصجات از دست دولت میرود و يك تلاشی شده باشد عقیده ام این است که يك قدری هم در فروش خالصجات تخفیف داده شود بجهت اینکه بنا بر این اشکالیکه در این قانون نوشته شده است تصور نمیکنم امروز کسی بیاید خالصه بخرد بجهت اینکه املاک اربابی در اطراف طهران هست که خیلی مناسب تر از این است و خریدار ندارد و فروش هم برای دولت هیچ ضرر نمی کند بجهت اینکه این املاک که بدست رعایا یا صاحبان دیگر افتاد بقدری آباد خواهد شد که در وقت میزبانی بقدر عایدی عالی بدولت خواهد رسید و این در قفره که بنده عرض کردم تصور می کنم از هر چیزی بهتر است که دولت با اداری يك راه بشود یا يك بانک فلاحتی داشته باشد که اهل فلاحت بتوانند با آن بانک طرف شوند و اسباب توسعه در امور زراعت شود.

وزیر مالیه - بنده می خواهم از آقای حاج معین التجار اجازه بخواهم که عرض کنم لفظ خانه

فروش در این مورد بی موقع استعمال شده است و عقیده بنده این است که خالصه فروش باهل مملکت خانه فروشی نیست و بلکه یکی از نظریاتی که موجب پیشنهاد این قانون شده است این بوده است که آن خانه فروشی مضر بیخ نیاید اما در اینکه وجوهی که از این کار حاصل می شود بمصارف عام المنفعه و مخصوصا بصرف خریداری حقوق ارباب و وظایف برسد بنده کاملا موافقم و در نظر دارم که از باب عایدات فروش خالصجات و عایدات استقراض داخلی دولت اقدام بخیریداری حقوق ارباب و وظایف بکنند و این یکی از طرزهای خیلی خوب خواهد بود اما اینکه بعد ها آنچه از مالیات دولت بعد از خرید حقوق ارباب و وظایف می ماند محل استقراض برای بانک فلاحتی بشود تصور می کنم راجع بآیه خواهد بود و عجلاناً نمی شود در این مسئله داخل شد و البته آن وجوهات هم باید در موقع خود بمصارف عام المنفعه برسد.

نایب رئیس - چند نفر از آقایان اجازه

خواسته اند دو فقره پیشنهاد هم شده است گمان می کنم در صورتی که تکلیف این دو پیشنهاد معلوم شود دیگر مذاکره در این موضوع نخواهد شد یکی پیشنهاد آقای مؤید الاسلام و دیگری پیشنهاد آقای نظام السلطان است که قرائت می شود.

پیشنهاد آقای مؤید الاسلام بضمون ذیل قرائت شد

بنده پیشنهاد می کنم در این جلسه در لایحه فروش خالصجات اخذ رأی نشود و بنده بجلسه آتی (پیشنهاد آقای نظام السلطان)

چون فروش خالصجات را دولت برای رفع ضروریات آن لازم دانسته بنده پیشنهاد میکنم که قرض داخله چون نزدیک تر است بعمل لایحه عرض داخلی را مقدم داشته و او را تقدیم مجلس بدارند.

نایب رئیس - آقای مؤید الاسلام توضیح

دارم بفرمائید؟

مؤید الاسلام - این مطلب در فراموشیها مطرح نشده است و ذهن آقایان برای رأی دادن

حاضر نیست و شاید مخالفت کنند از این جهت خواهش میکنم که این مطلب بماند که تا در فراموشیها نماند اگر کنیم و يك تصمیم بگیریم بعد در مجلس رأی قطعی بدهیم باین واسطه پیشنهاد کردم که این مذاکرات در جلسه آتی بشود.

نایب رئیس - آقای نظام السلطان توضیحی

دارید ؟

نظام السلطان - بنده توضیح غلیبی واضح

است فرض از این لایحه نفع این است و بنظر بنده همانند دولت نمیتواند داخل این مسئله شود لهذا گمان میکنم استقراض داخلی بعمل نزدیکتر باشد بنا بر این بهتر این است دولت آن لایحه را تقدیم بکند و مجلس در این مسئله داخل مذاکره بشود بعدا اگر فرضا لازم شد ممکن است در لایحه فروش خالصجات هم امان نظری شده و باین عمل شود.

مخیر - بنده با پیشنهاد آقای مؤید الاسلام مخالفتی

ندارم بجهت اینکه می بینم اگر آقایان بگفندی زیاد تر در این لایحه وقت بفرمایند بهتر خواهد بود بنا بر این اشکالی نمی بینم که شور در کلیات بماند برای جلسه دیگر تا تصمیم قطعی آقایان معین شود اما در پیشنهاد آقای نظام السلطان موافقتی ندارم زیرا عقیده بنده هر دو لازم است و اگر در اقتدار بنده می رود که پنج منبع دیگر هم برای عایدات دولت پیدا کنم آنرا هم اضافه و پیشنهاد بگردم زیرا همه میدانند امروز مملکت ما محتاج با اصلاحات است و هم مختصر اصلاحی هم بیول است پس لازمه اصلاح عالی یول خواهی است ما باید سعی کنیم برای موفقیت در اصلاحاتی که در نظرات هر قدر بتوانیم یول پیدا کنیم.

نایب رئیس - يك قسمت از پیشنهاد آقای

نظام السلطان راجع باین است که برای جلسه بعد بماند و گمان میکنم همه با این قسمت موافق باشند و بکسب دیگر که راجع بلایحه استقراض داخلی است که هنوز رایورتش از کمیسیون قوانین باله داده نشده است بنا بر این نمیتوانیم آنرا جزه دستور بکناریم پس از آنکه رایورت آن از کمیسیون قوانین مالیه رسیده تعیین دستورها خود مجلس است پس از طبع و توزیع آن آقایان میتوانند پیشنهاد کنند و مقدم بدارند.

نظام السلطان - بنده پیشنهاد خود را

پس میکنم.

نایب رئیس - رایورتی از کمیسیون قوانین

مالیه راجع به تعمیر مقبره نادر شاه رسیده است قرائت میشود.

(بضمون ذیل قرائت شد)

فقره دوم راجع بنده اول بر حسب پیشنهاد آقای میرزا محمد علیخان:

مقدار اراضی مزبور به از سه هزار ذرع تجاوز نخواهد بود.

ماده الحاقیه قبل از ماده چهارم - دولت مکلف است موقوفات مقبره نادر شاه را مطابق وقف نامه استرداد نموده و عایدات آنرا در تحت نظارت خود بمصارف مقبره و مدرسه که بنام نادر شاه تأسیس خواهد شد رساند، مبلغی که از عایدات نوافل برای تعمیر و مصارف مقبره خرج شده باشد پس از استرداد موقوفات مزبوره از

عایدات آن مسترد خواهد شد

نایب رئیس - آقای میرزا محمد علیخان توضیحی

دارید بفرمائید

میرزا محمد علیخان - برای اینکه افکار

آقایان متوجه این قانون نبوده است در ماده اول ذکر کردی از اراضی شده است و چون مقدار اراضی معلوم نبود بنده لازم دیدم تعیین شود چون اگر در این قانون اراضی که باید از وجوه عایدات از نوافل خریداری شود معین نمیشد ممکن است آن کمیسیون بکمیته قرار زیاد اراضی را مکلف نماندند یا بالعکس بکمیته قرار کمی را که غیر ممکن است کافی بدانند این است که چون تعیین مقدار اراضی لازم بود بنده هم اطلاعی از محل نداشتم از آقای مخیر که اطلاع محلی دارند استفسار کردم معلوم شد سه هزار ذرع زمین در جلو مقبره نادر لازم است خریداری شود بنا بر این بنده این مسئله را بطور يك مسئله الحاقیه قید کرده و پیشنهاد کردم که تعیین مقدار و مساحت زمین شده باشد

سردار سعید - بنده با اصل پیشنهاد مخالفتی

ندارم ولی عرض میکنم که سه هزار ذرع را کافی نمیدانم بجهت اینکه مدرسه که باید ساخته شود بهتر این است که در آن نقطه باشد بنا بر این گمان میکنم پنجاه هزار باشد بهتر است به علت اینکه آن زمین هم که در اطراف مقبره است تصور میکنم کمتر از پنجاه هزار ذرع نباشد

حاج عز الملک - بنده با اصل پیشنهاد رایورت

را رأی بدهم کافی است البته همیشه باید خیالات ما عالی باشد و تصورات عالی بکنیم ولی امروز موقع ندارد و پیشنهاد دیگر هم نوشته شده است که عایدات آن موقوفه انشالله خرج مدرسه بشود حالا معلوم نیست آن موقوفاتی که تهیه میشود عایداتش چقدر خواهد بود و هر قدر هم باشد باید اول این فرض دولت پرداخته شود و بالاخره مانع نخواهد بود که اگر موقوفات مقبره نادر شاه يك عایدی زیادی داشته باشد بعد از آبادی مقبره مدرسه هاسازند یا کارهای دیگر بکنند ولی امروز برای اینکه محدود باشد و یول نوافل زیاد بصرف ترسد بنده سه هزار ذرع که در کمیسیون رأی داده شده است خوب پیشنهادی است و باید برای داده شود

نایب رئیس - آقای مدحت السلطنه

مخالفتی ؟

مدحت السلطنه - خیر موافقم ولی خوب است کلام (مریخ) را اضافه کنند

عماد السلطنه - گمان میکنم تعیین اراضی

هیچ لزومی ندارد بجهت اینکه اراضی اطراف مقبره نادر شاه روزه خود نادر شاه مالکین آنها فروخته اند و شاید هر کدام از آنها ده هزار تومان و بیست هزار تومان بنا ساخته باشند و ممکن نباشد از دست آنها بیرون آورند مگر اینطور مطلق نوشته شود اراضی که برای ساختن مقبره کفایت میکند و الا زیاد بر این لزومی ندارد نوشته شود

مخیر - بنده تصور میکنم این پیشنهادیکه

آقای میرزا محمد علیخان کرده اند خیلی خوب است بجهت اینکه اولاً محدود نمیکند که حداً ۳۰ هزار ذرع باشد ممکن است از حد ذرع باشد تا سه هزار ذرع چون ممکن است فرضاً يك آدمی هر دنیا پیدا بشود و بگوید چون نادر شاه پادشاه بزرگی بوده است باید

مقبره اش سه هزار ذرع زمین داشته باشد و پنجاه سال مشغول ساختمان آن باشند برای اینکه از این نظر جلوگیری بشود نوشته شده است بکمیته زمین که از برای مقبره کفایت کند این بود که آقا سه هزار ذرع پیشنهاد کردند که کمیسیون هم قبول کرد و اما اینکه فرمودند اطراف مقبره نادر را خریده اند و بنا ساخته اند بنده یادآوری میکنم آن معنی که مقبره واقع است سه قسمت از اراضی که لازم است در واقع در تصرف خود مقبره است و ده يك آن در يك کاروانسرای کوچکی واقع است که جلومقبره واقع است پس اول زمینی که محل احتیاج مقبره است همان کاروانسرای کوچک است و آنجا را باید خرید و زیادتر از آنهم محل احتیاج نخواهد بود و آن زمینی که برای مقبره لازم است زیادتر از سه هزار ذرع لازم نخواهد بود پس این پیشنهاد هم از خریدن بکمیته اراضی زیادیکه بواسطه آن امر مقبره معوق بماند جلوگیری میکند و هم محدود نمی کند که حداً سه هزار ذرع باشد ممکن است کمتر باشد و ولی زیادتر نیاید باشد.

نایب رئیس - يك پیشنهاد از آقای حاج

سید رضا رسیده است قرائت میشود.

(پیشنهاد مزبوره بضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم از هزار ذرع زیادتر نباشد.

نایب رئیس - توضیحی دارید ؟

حاج سید رضا - عرض می کنم اولاً يك

مقداری از اراضی بصرف خود مقبره است و ما میخواهیم بکمیته دیگر وسعت بدهیم (با اینکه در اصل پیشنهاد بنده مخالفم چون چاره نداشتم این پیشنهاد را عرض کردم) چون اطراف آن همه خانه است علاوه سه هزار ذرع زیاد است هزار ذرع بجهت مقبره میخرند و بعد اگر از برای مدرسه لازم شد از جای دیگر میخرند بنا بر این هزار ذرع کافی است **مخیر** - آقا تصدیق خواهند فرمود که این قبیل پیشنهادها در لزوم و عدم لزوم بکمیته زمین فرغ بدین آن نقطه است مادامی که تهیه شده است نمیتواند پیشنهاد کند و هزار ذرع کافی است بنده هم گمان است پیشنهاد کنم پنجاه هزار ذرع یا صد هزار ذرع باشد پس خوب است با آن کسانی که دیدماند اجازه بدهند و بآن مقاس که آنها در نظر دارند موافقت بکنند یعنی همان سه هزار ذرمی را که پیشنهاد شده است قبول فرمایند.

نایب رئیس - آقای مخیر که قبول ندارند

این مسئله هم آنقدرها قابل مذاکره نیست بکمیته دیگر خوانده میشود و رأی میکنیم.

(مجدداً پیشنهاد آقای حاج سید رضا خوانده شد)

نایب رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را

تصویب میکنند قیام نمایند.

حاج سید رضا - پیشنهاد را پس میکنم

(در این وقت عده قلبی قیام نمودند)

نایب رئیس - قابل توجه نشد رأی میکنیم

برایورت کمیسیون آقایانی که پیشنهاد کمیسیون را تصویب میکنند قیام نمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

(ماده الحاقیه مجدداً قرائت شد)